

داخل نشدند، و عذر شایسته این بود که آراء اعضاء انجمن ادا عمل اکتای آقایان نیست، و فقط خیالات یکدیگر باید اجراء شود و آنها هم با کمال توجه متوجه اند که اگر هوشمندی بخواند در کار مداخله کند یا رأی صحیحی بدهد فوراً او را تکذیب کرده و خارجش سازند، و خودشان بریاست مطلقه و فعال ما برید بودن باقی مانده کیف مایشاه کار کنند.

پیر جمعه روز جمعه امیر یحیی را باز بنایب الحکومگی برقرار مسکردند، و فنکچیپان مستحفظ گمرک هم از آنها حرکت نمودند و آنها هم که در دارالحکومه بودند رفتند و در خارج شهر منزل کردند و امیر یحیی هم در آنها رفت و سرباز معین کرد، آقایان همچو میخواستند برسانند که فنکچیپان را از شهر خارج کرده اند، ولی کذب ادعایشان ظاهر بود و فنکچیپان دست بسته وارد میشدند، عصر آروز که در چهار برج مجلس بود اعلان از قونسلگری انگلیس قرائت شد که اگر تا ۲۴ ساعت تمام فنکچیپای شرارت خواه از جزیره بوشهر خارج نشدند جهاز جنگی انگلیس موسوم به (فاکس) که در لشکرگاه است سرباز بحری پیاده خواهد کرد که حفظ اموال خارجه باید، باز هم بهمان وعده های حقوقی خواستند مردم و خارجه را گول بزنند و در بازار و تمام شهر جار کشیدند که هیچکس نباید شلیک تفنگ کند و اگر از کسی چیزی بردند هر يك قران دو قران از کلانتر بگیرد.

حسن کار در این بود که مردم بوشهر معرفت کلانتر و آنها یکا و را بکار و داشته داشته و میفهمیدند که این اشهارات دروغ اندر دروغ است.

باز هائیب اوضاع شهبای پیش تازه شده و فنکچیپان را که میگفتند خارج شده تمام در خود شهر و اطراف مانده بودند، و هائیب در يك مبل شهر چهار خانه را قارت و دو سه دکان چاپیدند و جنگی هم میان احمد خان رئیس بعضی از فنکچیپان و محمد جعفر رئیس بعضی از مستحفظین واقع شده بکنفرانز آن طرف کشته و یک نفر از این طرف مقتول گردید، رئیس بزرگ فنکچیپا هم علناً گفته بود تا وقتیکه بولی که بمن وعده داده ندهند ابدأ نمیتوانم حرکت کنم، مردم بدبخت در خاطر کلی افزاده و بلا تکلیف مانده بودند، اما حضرات جمع شده

مدتی در مذاکرات بجا وقت خود را ضایع کردند عصر روز نوزدهم ساعت ده اعلان ذیل از طرف قونسولگری انگلیس نشر گردید و متعاقب آن چندین ماشه بر از سربازان بحری و توپ از جهاز جنگی پیاده شد و بعضی در کمرک و پاره در فونسلخانه - گرفتند

اعلان قونسلگری انگلیس

(بموجب آنها یک ارتباط این مسئله دارد)

بر هیچکس مخفی نیست که از چند روز پیش يك عده بسیار بزرگ فنکچی که تخمیلش از ۵۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر بوده در شهر حاضر میبودند و نیز ظاهر است که این فنکچیپان از تحت اختیار خارج شده و بر بارار حالت و ناز کرده و خلیل - رقیبا را مرتکب شده اند - آن اشخاصیکه این فنکچیپانرا حاضر کردند همچو بخرج دادند که مقدرت ندارند آنها را تحت اضبط نگه دارند و ایشان موجب خطر واضح نفوس و اموال رعایای انگلیس و خارجه و کلیه جهات صالح جو شده اند -

دیروز بآنها یک ایشارا آورده بودید صریحاً اطلاع داده شد که اگر تمام ایشان در ظرف ۲۴ ساعت حرکت نکردند لازم خواهد شد که آدم و توپها از جهاز دولتی انگلیس (فاکس) پیاده شود -

الکون ۲۴ ساعت در کار است مقتضی شود و هنوز هم يك عده بزرگی از فنکچیپان در شهر هستند و دیگران هم در دهات و توابع جزیره میباشند - اگر تمام ایشان تا ساعت پنج انگلیس خارج نشوند آدم پیاده خواهد شد، ولی بموم اعلام میشود که این اقدام اجباراً بر دولت بینه انگلیس لازم گشت - زیرا که مأموریکه مسئول اضبط این فنکچیپا باشد موجود نیست و نیز کسی نیست که ضمانت حفظ وجود رعایای انگلیس و خارجه نکند و آدمهای مذکور کلاً بجهت حصول همین مقصد پیاده خواهند گشت - و آدمهای مذکور بمجردیکه امنیت اطراف یافت مرجوع خواهند شد

دهم اپریل سنه ۱۹۰۹

صحیح البوز و جنرال قونسول دولت بینه انگلیس در بنادر خلیج فارس

آخر الامر بر این رؤسای خود خواهی که مردم بچاره را آلت مداخل خود قرار داده بودند واضح شد که طریق گمراهی پیوده ، و در این چند روزه فرضی غیر ربر کردن جیب خود نداشتند ، و ابد طالب مشروطه و دافع استبداد نبودند ، زیرا که اگر بشان خالص بود این اوضاع ناهنجار را فراهم نمیآوردند ، و نمی گذاشتند که کار بدیجا بکشد ، آری بواسطه فرض ، حماقت ، خود بینی ، و هزار عیوب دیگر که دارا بودند زحمة مراتب چشم پوشیده و فقط هم خود را در جاب فتح شخصی مصروف داشتند ، و تمام زحمات عدالت خواهان در آذربایجان و سایر جاهای دیگر را عذر دادند ، و کاری کردند که دیگر نام مشروطه را نمی توانست نزد مردم برد ، و حتی عقیده مردم را درباره بزرگان عدالت خواهانهم قاصد و طراب کردند

(جهل از این بسیار کرده است و کند)

دروغ مصر یکی از مؤسین با دو سه نفر از اتباع خود در قونسولگری انگلیس رفته بود ولی تا حال معلوم نیست که نتیجه مذاکراتش چه بوده است ، همین قدر معلوم شده که بد غلطی کرده و بد اقتضای بار آورده اند ، تلگرافی ذیل هم از اصفهان رسید

« نقل تلگراف اصفهان »

خدمت ذی شرافت امضای انجمن ولایتی بندر بوشهر دامت رگاتهم
بر خاطر جنابان عالی پوشیده نیست که اهالی طهران و آذربایجان خصوصاً و سایر نقاط ایران هموماً تا چه درجه در فشار ظلم و استبداد و انقلاب واقع و تمام امور مملکتی مختل و چند تقر خائنین که اطراف اریکه سلطنت ر گرفته تا از خارج طهران فشاری آنها داده شود میگذارد مات مقصود خود نایل شده حالا از این حالت بختیاری دو طلبانه تهیه سوار و استعداد کافی برای حرکت بسمت مذکور شده و میدانید تمام مخارج حرکت را اهالی اصفهان نمیتوانند متحمل شوند ، باید هموم ملت ایران در این مسئله شریک و سهیم باشند ، لهذا بجنابان عالی زحمت داده شد که از طایعات گمرکی هر اندازه ممکن است یکی از ادارات صرافخانه اصفهان حواله تلگرافی فرمایند تا انجمن صرف مخارج اردو نموده فوری قشون را حرکت دهند ، جواب را فوراً

مخبره فرمایند که وقت خطی تنگاست و کار بجای نازک رسیده
انجمن ولایتی - نجفعلی مختباری

• • •

تا کاون حواب را فقط بسکوت گذرایده اند و هیچ معلوم نشد که یولهای ضنکفت گمرکات در کجا فرو رفت
امضاء ک - ۹ - ۹ - ۹ - م

« جبل المتین »

نیدانیم اهالی بوشهر تاکنون ملتف و خامت تفاق و خود پسندی خود گردیده اند ؟ یا هنوز در اعتراض شخصی غرق ، و در خود ستانی و فرعونیت خویش محو اند ؟ همین قدر بگوایم که درین دو سه هفته بالغ بر صد خط از موثقین و غیر موثقین ماداره رسیده ، حق و باطل قصوروار و بی قصور معلوم گردیده ، با اینکه اشخاص قصورمند معلوم اند ، ولی چون بعقیده ما نوع بوشهریان در این کثافات کاری مقصر اند از قصور اشخاص فلاصرف نظر نموده ، اسم احدی را نمی آوریم ، ولی همه باید بدانند که بر ما امر مشبه نیست ، و صادق و خائن بر احدی پوشیده نمی ماند واقعه بوشهر و کثافات کاری بوشهریان باندازه کسب اهمیت کرده که مجبور به صرف نظر از اشخاص شده ایم

امروز چاره منحصر درین است که برای رفع و دفع این تنگ تاریخی تمام اهالی بوشهر از ملا و تاجر اعیان و اشراف و کاسب دست اتحاد بیکدیگر داده ماحلاً ملوث کاری کنونی خود را پاک نمایند ، و انجمن صحیح فعال و حکومت منتظمی قائم نموده ، فوری ضمانت عالی و جانی بخارجیه داده ، و جدا خروج سربازان بحری را خواستگار شود ، بساحب شریعت مطهره سوگو کند که بک آنف تأمل درین منصوره حکم شمشیر زدن بر جسم مبارک صاحب شریعت طاهره را دارد ، ما را زبان قلم از روی انصاف الکن است که درین موضوع اعتراض بقونسول انگلیس نایم ، در صورتیکه اطمینان عالی و جانی که بخارجیه داده شده بود باز گرفته ، شهر را منقلب و بازار قارت را گرم نمود قانوناً زبان نام وطن خواهان خارجیه و داخله را از اعتراض بخارجیه بستند ، و ام تنگ بروی تمام ایران نهادند ، و کر مشروطیین را باحقاق تفاق و شفاق خود شکستند ، و استقلال ایران را بر باد دادند ، و بهانه عالی

بروسها دادند که در استراباد و تبریز و خراسان تقلید از انگلیسیان نمایند. ای کاش بیوق مشروطیت در بوشهر بلند نشده بود که تا این درجه سبب برپایی استقلال ایران و ضعف اسلام گردد.

ای مدعیان اسلام بر مسلمانان رحم کنید. فایق را از بین دور داشته جدا در انتظام امور بکوشید. افلا بای خارجه را از میان خارج کرده سپس آنچه میخواهید بر سر و کلاه بکنیدگر زیند

دوست غور و تأمل کنید که برادران غیور شما در تبریز چه حال دارند، و شوقها در چه خیال اند، اصفهائیا بچه کار اقدام کرده اند، در چنین موقع باریک آباروا و سزاست که شما در اعتراض شخصی بچیده مشقت بکنید و دیگر زده اجانب را بخانه خود دعوت نماید؟

ای وطن خواهان با دیانت بوشهر امروز وقتی است که دست بدست برادران سایر بلاد خود داده رشته استبداد را از هم بکشاید. نجات تمام ایران از استبداد منوط به حمله طهران میباشد.

ظاهر است که حمله بطهران امروز منحصراست به اصفهان و رشت، چنانچه اطلاع داریم از رشت و اصفهان جدا بمقدمات حمله طهران پرداخته اند. امروز بر فرد فرد ایرانیان داخله و خارجه لازم است که هر قدر بتوانند کمک مالی و سلاحی و رجالی به انجمن ولایتی اصفهان، رشت برسانند.

امروز اهالی جنوب خاصه بنادر خلیج را وقت مردانگی است، وقت جوان مردی است، وقت قوت و صروت و حمایت و محبت است، بر همه واضح میباشد اردوئی که بنا شود حمله بطهران نماید مصارف کلی دارد. و اول و آخر بدین حمله ناچاریم، چه، تا وقتی حمله بطهران نشود برادران غیور تبریز و طهران ما از فشار استبداد نجات نتواند یافت، و اهالی سایر بلاد مطمئن نخواهند گردید، و امنیت در محاکم نخواهد شد، و قتل و قارت و خونریزی برادران ما موقوف نخواهد گردید، در حقیقت همراهی با انجمن ولایتی رشت و اصفهان در حمله بطهران الا ترین کمک و همراهی به تبریزیان جوان مرد غیور است.

امروز چشم امید همه وطن خواهان خارجه و

داخله به کمک و همراهی عالی امیر نویان سردار ارفع حضرت شیخ طرطلخان حکمران عمره است، و ما حدیث ذل توحه آقای حاجی، پس التجار پیشکار حضرت سردار ارفع را بدین صوب معطوف میداریم، چه این قبائل است که بقامت ایشان دوخته شده که صد زدن در رگر ما بک زدن آهنگر براری شواند نمود.

ای نجار محترم و متمولین عباسی و لوجه و بوشهر، بغداد و هریستان و عمره و شیراز، امروز وقت محبت و جوان مردی شاست، پیشرفت مقاصد بومی جز بمرامی بوج نتواند شد وقت برادریت، وقت محدودیت، حمله بطهران رشته عبودیت را از گردن تمام ایرانیان خارجه و داخله پاره میکند، نجات برادران تبریزی ما که سبب این همه افتضار تاریخی ایران و مودت قیام تمام ایرانیان شده منوط بحمله طهران است، و حمله بطهران وظیفه جمیع ایرانیان و تکلیف شرمی هر مسلمان است، مقاماتیک دستشان از حمله به طهران کوتاه است باید مال و سلاح هر قسم شواهد به اصفهان و رشت کمک برسانند، اگر اهالی سایر نقاط فقط قنات قبضه قطعه خود کرده و چشم روی هم گذارند و هر یک منتظر دیگری باشند، و مانند بازه ماه گذشته رک رک بهم دیگر نگاه نمایند که قوای استبداد تبریز که مراتز احرار است مغلوب سازد، پیشه را نشه خود زده اند چه بلاشبه همینکه مستبدین بر مرکز تبریز استیلا یافتند، همان قوت را مراکز دیگر نقل نموده بیکدیگر را مغلوب خواهند نمود ولو هر قدر دور باشند.

پس اطاعت بمراکزی که مستند حمله بطهران است هستند نجات خویش از حمله مستبدین است، و این نکته را هم باید دانست که اگر این نوبت استبداد قوت گرفت و بر بلادیکه علم مشروطیت اند کرده طالب آمد، حتی رای کسی باقی نخواهد گذارد، بر صغیر و کبیر اهالی رحم نخواهد نمود، بر مال و جان و عرض و ناموس کسی نخواهد بخشید.

پس رجوع نقاط مشروطیت لازم است که در قاع وقع رشته استبداد دویت را کنار گذارند، دست اتحاد بهم دهند و همدیگر را معاونت نمایند، و در پیشرفت مقصود از هیچگونه کمک و همراهی دریغ ندارند.

امروز رنقاط دور دست که شخصاً قادر محله
 طهران نیستند، رساندن سلاح و قوای طایفه به مراکز
 که میتواند حمله بطهران نمایند و مستعد بکار و
 اسباب برایشان جمع گردیده واجب است و چنان
 تصور کنند که مستقبلاً برای مدافعت آنها حاضر شده
 این کمک و همراهی جلوگیری از حملات استبداد رخلودشان
 است و چنین امروزه منحصراًست به اصفهان ورشت
 که خواه یشتن را تا دروازه طهران رسانیده اند.

و هر ذی مدتی پوشیده بپست که ازین و بعد
 سه بلای نام ولایات جنوب ایران اصفهان و شمال
 آن رشت خواهد بود که تا قزوین را قبضه خود
 آورده اند، اگر از سایر مراتب هم صرف نظر شود
 اهالی هر ولایت برای حفظ و سیانت خود باید این
 دو مرکز همراهی مالی و سلاحی به نمایند، تا آنها
 علاوه بر اینکه قادر رحله طهران و نجات همه ایران شوند،
 نتوانند بوظیفه سپربلا بودن آنها هم رفتار کنند

این اطافه باید تا وقتی قشون ملی طهران را قبضه
 نکند و پارلمان را دارن سازد جاری باشد، چه بسا
 هست محاصره طهران و قبضه عمل بافتشاه طول
 نکشد قشون ملی از هر جهت باید مرفه الحال و
 آسوده باشند تا از عهدۀ این خدمت معتاد آیند،
 یعنی اطافه موقتی کافی از برای انجام این خدمت نیست
 اطافه جاری باید اهالی یک شهر یا دو شهر نیز مسالماً
 از عهدۀ انجام این امر بزرگ نتوانند بر آمد، و
 خلاف عقل و دلب است که دو چنین امر بزرگ مهی
 که کرور ها مصارف دارد اهالی یک مملکت بزرگ یک
 جماعت مختصری را سپر بلای خود ساخته آرام داشته
 از کمک و همراهی آمار دریغ نمایند

عقیده ما برین است که اطافه اردو های ملی که
 باید حمله بطهران نمایند از سه تنبه باید بشود

(۱) اطافه غیر مستقیم نجار و ارباب ثروت و ملاکین
 ایران و کسبه اهم از خارجه و داخله بدون ملاحظه
 مذهب خواه مسلم و فارسی و خواه ارمنی و یهودی -
 چه نام اولاد این خاک و شریک النفع والضرر اند چون
 درین اقدام مبنی بر دفع هجوم است در کمک و همراهی
 هم طامه باید دخیل و شریک باشند، و این اطافه و
 همراهی در ایرانیان خارجه بسته بیرون و توجه آنهاست

ولی انجمنهای هر نقطه و جراثمه ملی هر جا باید در تشویق
 و ترغیب ایرانیان بگوشند، در داخله یکی از وظائف
 و حافظ و رؤسای روحانی و انجمنهای غیر رسمی است که
 هر طبقه را جمع نموده تا بر حسب قوه شان اقدام
 نمایند، پیش رفت این مقصود منوط بر آن است که
 اساس کار از روی صحت گذارده شود، یعنی قسمی
 شالوده را بریزند که مورث اطمینان ملت شود و
 مردم یقین نمایند که آنچه کمک کنند بمرکز خود بدون
 حیف و میل می رسد و بمصارف لازمه میرسانند یقین
 داریم با اینکه ایرانیان به کمک و اطافات نوعی عادت
 نکرده و تاکنون تمام خیرات و مبراتشان شخصی
 بوده است، ولی هر گاه تصادف با یک هیئت صادقه
 نمایند باز هم خیرات های نوعیشان از سایر اقوام و مالی
 باندازه ثروت شایسته کم نخواهد بود و نیز در انجمن
 ولایتی اصفهان ورشت لازم است که توام یا جدا جدا
 یک کمیسیون طالبه که خیلی محل اطمینان و اعتماد ملت
 تواندند برقرار داشته تا طرف رجوع هر قسم از اطافات
 باشد و از روی بصیرت و اطلاع ضروریات اداره
 لشکری را فراهم کنند

(۲) اطافه مستقیم باید از دخل کرک و پست و
 تلگراف که راجع است به افراد ملت و کلیه مملکت
 کمک را اطافه مالی باردوی ملی بشود، این وجوهی است
 که در محل صرف می شد و نمانش بعد از وضع
 مصارف خاصه آن بمرکز یعنی طهران میرود حالا همان
 را صرف لشکر کشی نمایند

(۳) کمک مایهاتی است یعنی باید جدا در صده
 وصول طالبات از روی صحت بر آمد و پس از وضع
 مصارف محلی بقیه را برای صرف قوای ملی روانه
 داشت این در امر وظیفه انجمنهای ایالتی و ولایتی
 است که از روی صحت عمل اقدام نمایند و این وظیفه
 همه خود را انجام دهند، و این بر تمام انجمنهای ولایتی
 و ایالتی واجب فوری و بدون نقصان و حمله بر
 دوقلماده و افراد ملت است

این امر هم پوشیده نماند که امروز مصارف اردوی
 ملی نه فقط واجب بسوار و سرباز است بلکه یک
 حصه بزرگ از وجوه ملیه باید در خرید اسلحه
 و قورخانه و سایر لوازم اردو طاعت چادر

و جاریا و غیره و غیره بشود

چون امروز سه ربيع ايران خصوصاً سرحدات و
تکریکات در قبضه ملت و حقوق سلطنت ملی نیز ثابت
و مصدق جیب دولت است . رسماً ملتیان اگر قانون
پیش آیند میتوانند سلاح از خارجه خریدند و عتلاً
داخل ایران نمایند و رؤسا باید درین امر جد و جهد
نموده حقوق خود را درین موضوع ثابت کنند . اردوی
ملی خیلی محتاج برود اسلحه از خارجه است

بر انجمنهای ولایتی هر قله لازم است که فوراً و جدأ
تفکته و درین موضوع بحث کرده با انجمن ولایتی رشت
و اصفهان نیز مخبرات لازمه نموده قرار و مدار
صحیحی درین امور بگذارند . و ترك ملاحظه الأ هم
قلا هم را نکرده جدا اقدام بامور لازمه نمایند . و نیز
بر انجمن اصفهان و رشت لازم است که با تمام انجمنهای
ولایتی درین موضوع مخبرات لازمه نموده چگونه
و وضع پیشرفت کار را بنمایند

امیدواریم که غیرمندان وطن پرست بوشهر ملاحظه
اهمیت موقع را نموده دست اتحاد یکدیگر داده باری از
دوش جامدین بردارند تا اینکه سرکاری رویشان گذارند
مباحثات پارلمان انگلیس در مسائل

« واجبه ایران »

در مجلس ملی انگلیس (میجر اسکروترگری) از
وزیر خارجه سوال نمود که آیا میتوانید رای اطلاع
وکلای پارلمان خبر تازه از ایران بیان نمایید ؟
سرادوردگری جواب داد - ملتیان شهر و کورک
بندر عباسی را تصرف نموده از مقاطعات دیگر تغییر و
تبدیلی مسموع نشده است

باز سوال نمود آیا میتوانید موثقاً بگوئید که شاه
قبول دادن پارلمان نموده یا نه ؟ آیا حالت ایران خواطر
خواه است یا خیر ؟

سرادوردگری جواب داد - در سوال اول خیر .
در جواب آخر خیلی خوشوقت نخواهم شد و قتی که بنوام
بگویم حالات ایران خواطر خواه و اطمینان مختس است
مستر لنج برسید آیا اعلانی را که کبته مرکزی
مشروطیین ایران مقیم اروپا داده ملاحظه فرموده اند
که نوشته همیشه سامی در حفظ جان و مال خارجه
بوده و نیز خواهند بود . آیا امنیت در آن مقاطعات
بصرف مشروطیین آمده قائم است ؟ آیا میتوانید
بیان کنید که هیچ اظهار خوبی از قونسل شاه
و رطایبیه ما رسیده است ؟ سرادوردگری جواب
داد اعلانی بان مضمون بمن رسیده . من نمیتوانم
باطمینان اظهار دارم که مقامات ایران مشروطیین قبضه

نموده اند کاملاً امنیت قائم است . و نیز نمیتوانم از
حالات ساکنین آلف مقامات اظهاری بدارم . ولی
تا جایکه اطلاع بمن رسیده از رطایب انگلیس شکایتی
پیش نشده است . چون این سوال مربوط به مسئله
رشت هم میتوان بود آنچه معلوم شده افتخاش و بیج
اتلاف جان و مال خارجه میبود - معذک از قونسل
ما استفاة امانتی نشده است . چنانچه شقیده باید دولت
روس مستحفظین قونسلخانه خود را اضافه نموده و
با هم اطلاع داده که اگر ضرورت شود محافظه تمام
رطایب خارجه را در آنجا خواهد نمود . همچنان در
بنادر خلیج فارس ما هم بجهازات جنگی خود اعلان
داده ایم که در حین ضرورت حفظ مال و جان رطایب
خارجه را نیز بنمایند

(مستر میچل نامسن) سوال نمود که آیا اطلاع
دارید از اینکه یکی از تجار انگلیس را در (سیوند)
بین راه اصفهان و شیراز قارت نموده اند ؟ آیا برای
این واقعه تدارکی شده و از دولت ایران حفظ
رطایب خارجه را خواسته اند ؟

(مستر منکان وود) از طرف وزارت خارجه
جواب داد این خبر با رسیده که وکیل (مستر زبکر
کیانی) را دزدان گرفته مال او را برده اند که هم زده
رها نموده اند . سفیر ما در طهران خواسته فوراً
اموال او مسترد و سزای سارقین داده شود
باز سوال شد . آیا در اینگونه مواقع بخار خارجه

تاوان خواهند یافت یا خساره خواهند گرفت
جواب داده شد که بدو تدارک وصول مال باید شود
پس از آن هر اقدامی مناسب باشد عمل خواهد آمد
(مستر لنج) در ضمن نطق خود در معاملات
ایران چنین اظهار داشت . من از واقعات کنونی ایران
واقفیت تام دارم . و موثقاً می توانم گفت که اگر
مجلس پارلمانی را که شاه خراب کرده تجدید شود
امنیت در تمام ایران برقرار خواهد شد

اخبار طمس بیچگاه در اینگونه موافقت موافقت با
هیچ طرف نکرده بود . ولی در این موقف ما مستبدین
ایران خیلی همراهی نموده تاکنون بیچگونه طرفداری
از مشروطیین نکرده است . ایران باید دارای پارلمان
باشد چه برای حاصل نمودن پارلمان است که تمام ملت
سلاح بدست گرفت با جان خود بازی میکنند . دولتین
روس و انگلیس را لازم است که شاه را در انتساح
پارلمان نصیحت نمایند . و اگر شاه انکار از انفساد
مجلس شوری نمود دولت روس باید افسران خود را
از طهران طلب نماید و شاه و ملت ایران را به حال

خود گذارد، مسلماً اگر چنین امر اقدام شود فوراً شاه بجوایشات ملت تمام خواهد گردید
(مستر دیلی) (مستردیلی) (مستردیلیج) را نمایند
موده اظهار داشت که این همه قارت و خونریزی
را در ایران علت حقیقی روس است، چه افسران
روسی که در تحت او امر دولت بوده اند در حراپ
کردن مجلس شورای ایران شرکت داشتند، و کمال تقویت
را بشاه داد تا مطالبه حقوق اصلی را رود باید،
(مستردیلی) تمام الزامات را به وزیر خارجه
وارد آورده که چرا اعلیحضرت ادورد هفتم را بدون
همراهی یکی از مهندگان کابینه احازمه، مسافرتهای پلنیک
داده می شود - (در اینجا فرض از مسافرت ربول
و ملاقات با امپراطور روس است)

سپس (سرادوردگری) بای حاشیه چنین جواب
داد که «هدنامه دولتین روس و انگلیس برای این
امورائیکه شا ذکر می نمایند شده اگر چه بعضی را
عقیده ایست که سبب انقلابات کنونی ایران این عهد
نامه است ولی عقیده ما خلاف آن است، فرض اصلی
ازین عهدنامه ایست ایران از حقوق و رسوخ خارجه محفوظ
و مصون ماند، آن خارجه خود روس باشد یا خودمان،
ممکن است سعی از معلمین روس که ترقی
ایران را مشتق میدهند از وظایف معینه خود مجاوز
کرده و در خرابی پارلمان شرکت موده باشند
ولی طاراً اطمینان کامل حاصل شده که این وظیفه
باشناسی آنها ز دستورالعمل دولت روس نبوده است
در جواب (مستردیلی) اظهار داشت ما را
یقین کامل است که آنچه را درباره افسران روسی
بیان کرده که برآمد کتبه ایران مستند ملاحظه
لشکری میباشد، ولی همین قدر میگویم که این امر آسان
است که اعتماد ر مسمومات نشود و قبیله خارج از اداره
وزارت خارجه باشند ولی چون داخل اداره وزارت
شدند این سخنان را رسماً تصدیق خواهد نمود

سپس در انقلابات ایران چنین اظهار داشت بدون
شک و ریب انقلاب عظیمی در سرحدات روس واقع شده
و مجارت او را حساوة زیاد رسیده، و فوسل روس
هم اطلاع داده بود که خان و مال رطانی شان در
خطر است و کربک شاه هم چند ماه است کار نکرده
مادر معادل قسط قرضه روس داده شود تا این وضع خوب
است قبل از آنکه ما تحت در اقدامات روس بیایم
تصور کنیم که اگر چنین واقعات برای ما رخ میداد
چه میکردیم، پرواضح است که اعضای شورای دولت
زور می آورده که فوری تدابیر لازم را بپایند.

این را میتوان تصدیق کرد که دولت روس آرزوی
فرستادن قشون به ایران دارد، همین قدر میگویم که
این مداخلت که مورث تحت شده خیلی زیاده بر این
می شد اگر این معاهده بین ما و روس بسته شده بود
حکمت عملی دولت انگلیس این بوده که در معاملات
داخله ایران مداخلت نه باید، و این معاهده هم همان
نکته را تمییز موده است، دولت انگلیس و روس هیچ
وقت درصدا دکنند میان استقلال ایران موده و بستند
تا میگویم که حکومت انگلیس اقدام نگاری می
باید که مورث ناراضی و سبب تا مظلوری اعضایی
شوری یا توهمین پارلمان باشد، اگر وحشی بشاه قرض
داده می شد البته قابل لزوم بود، ولی تاکنون در این
امر اقدامی نشده، جزیکه ما طالب همین قائم شدن
امنیت و برقرری حکومت صحیحی در ایران است
عدم مداخلت ما تا وقت است که خونریزی هم می
در ایران واقع شود، دولتین روس و انگلیس فقط
شاه را ماصح تواند بود که وضع حکومت را اسلوب
صحیح درست کند، و اینکه او را مجبور نمایند و یا او
را محکوم قرار داده که چنین و چنان در معاملات
درون مملکت خود م باید

(لارد برمی) حکمت عملی (سرادوردگری) را
نماید کرده اظهار داشت که بعیده من بهودی بران
در آن است که در ادارات دواقی ملارمیس اروپایی
برقرار شود تا اصلاحات لازمه را بخون بوانند داد

انقلابات عثمانی

(هر کس که راه دارد و سراه میرود)

(بگدار نایفتند و میند سزای خویش)

پس از آنکه رئیس المسئبدین عثمانی همی استبداد
گذرانیده و لکوکها نفوس محترمة احرار را قتل رسانید
با آن نام رشتی که در عوالم تمدن حاصل موده بود مجردیکه
حوانان غیورترک بر او فشار آورده تسلیم و مشروطیت
را قبول و قسم یاد نمود تمام زشت کاریهای ایام گذشته
را عام و خاص خودی و بیگانه فراموش موده و بی
اختیار زبان مدح وی گشودند

همچنانکه درین آخر عمر آن خوشنامی تاریخی را
که بعد از آن همه مدامی بی خوف جگر حاصل
نموده بود قدر دانسته و قیمت اشمرده باز خمبارة
استبداد کشید و مرتبه نای بجمال برهم ردن این اساس
مقدس بنیر با مخالف که کینه آطال مات است اوفتاد
ولی جوانان غیور تسلیم یافته ترک و اعضای انجمن با
سیاست اتحاد و ترقی عثمانی که نجره دیرینه از حرکات
رئیس المسئبدین داشتند وقوع چنین واقعه را دانسته و

قبل از وقت مستعد بلکه منتظر بودند و این بود که پس از شروع بکار جلسان استمدادی ظاهر کردند که تمام سیاستپوز اروپا زبان به تحسینشان گشودند

بزرگترین تدابیر آنها این بود که بمجرد بروز آثار خلاف، مستبدین را مهلت ندادند که تدارکی دیده قونی برای خود پیدا نمایند، مسلماً اگر يك هفته در جنیده بودند اختلاف عظیم در تمام مملکت عثمانی اوقفاده مستبدین را قونی سزا حاصل میکردید و جنگ خانگی تمام مملکت را فرا میگرفت، آذربین سیاست و دانش عضای انجمن اتحاد، ترقی - سلايك كه يك دو دقیقه موت، وقت به عبود مستبدین فرصت هیچ فدا می ندادند (بلی اگر برایهم در همان وقته نوبخانه عمل را بکاره کرده دشمن را مهلت میدهد کار تار با این جا نمیکشد. خداوند جزای خیر دهد بکسانی که آن موقع سیکو را از جنگ ملت بیرون رده و سبب این انقلاب عظیم گردیدند، عجب تر آنست که هنوز هم برخی خام طمعان توقع حصول مشروطیت از وی و صالح با او را دارند (چهل ازین بسیار کرد است و کند)

تذکرات مهمه که در ماده اطلاعات عثمانی درین هفته رسیده و اعمات را بخون آشکار می نماید و سر نوشت طاقت سلطان را طاهر میدارد

روز سه شنبه و چهارشنبه در اسلامبول بواسطه شلیک فوج در اطراف شهر (۵۹۴) قمر مجروح و (۱۷) مقتول شده -

قشون سلايك كه قائمه (عادیم كونی) را گرفته طلب مجازات اشرفه باعث افشاش روز سه شنبه بوده قول می دهند که اگر به خواهشات آنها عمل شود داخل اسلامبول خواهند شد، دعوی آنها را وزراء فوراً میکنند - اسلامبول اگرچه امن است اما اهالی خوف اند -

قشون (۹۰۰۰) قشون (انجمن اتحاد ترقی) مع نوبخانه از (تخالصاً) عبور کرده همه با ساز و سامان آراسته اند - مقدمه مجلس آلمان بفاصله ۵۸ میل از اسلامبول رسیده سردار این اردو به فرای دول اطمینان داده که جان و مال رعایای خارجه را حفاظت خواهد نمود

افواج از (کوابلی - رگس - ازبیر - ارض روم) و سایر ولایات عثمانی به اردوی سلايك بی درین ملحق می شوند انجمن اتحاد و ترقی به (بهدز) تلگراف عبوده و سلطانرا الزام مخالف از مخلف داده (ژون ترك) ها شش هزار ایرا جزایه (سلايك) را متصرف شده اند -

در تمام شهر منتشر است که سلطان ترك تاج و تخت گفته در - قارت خانه انگلیس منحصن شده - اهالی سفارت خانه را محاصره کرده، لژ این خبر قیمت پنداند

استقراض عثمانی ترقی عبوده است
 ¶ پارلمان عثمانی کارروائی رئیس الوزرا را پسندیده که بیان مسلک خود را تا روز شنبه ملتوی گذاشته است - عزت پاشا که عمیت کمیسیون (اتحاد و ترقی) رفته رحمت عبود آنها بر دطاری خود ثابت - وزارت عثمانی بر این مسئله تا نصف شب مشغول بحث بودند - لآن در (عادیم كونی) ۴۶۰۰ قشون آماده شده و تد کاتشار امتب خواهد شد - قشون سلايكبول خیلی تسبیحه و حاکم محمود ارد - عبوده قشون بحری عبور - معلوم نیست -

¶ پس سلطان، رئیس الوزرا تا درماز گمگو بوده - حصار سلطانی ماسحق يك كشتی مونسك آماده حرکت است
 ¶ قشون سلايكبول آماده حلو گیری حملات اردوی سلايك بیست - علی - علی در (س - نقابو) میروند و با اردوی سلايك عقد سرافقت می کنند - بسیاری ارجا و سان مجرم غوای قشون گرفتار شده اند -

¶ سلطان گوشه نشانی اختیار کرده و در (توبقی پاشا) ملاقات می کند - دولت (توبقی پاشا) انست که سلطان چون خود را محافظ مشروطیت میداند تا کمال دریادلی انتظار اردوی مشروطه - سلايك را دارد

¶ حسن حسنی سردار اردوی سلايك اعلان داده که کابینه منفصله وزیرا را باید بار مقرر نمود و خواهش کرده که تمام سباهیان بحضور شیخ الاسلام قسم قرآن بخورند که در آئیه آنها بدن چون و چیر اطاعت بسر داران خود خواهند نمود - از این استنباط می شود که باید محرمین سزا بیاند

¶ تا کرافانی از اسلامبول رسیده که وزیر جنگ آذوقه حبه اردوی سلايك میفرستد - و جایگاه حبه قیام آنها درست و محرمین را گرفتار می کنند - و بر حسب اعلان سردار اردوی سلايك تدارك مخالف سباهیان می باید -

¶ در اسلامبول مباحثات زیاد بین دولتیان و ملتدان می شود گویا اصل مقصود این است خوریزی بشود از این رو از بدو امر بری دفع خوریزی انتظامات بلیغ دیده می شود (ژون تركها) دارند کم کم بر سلطان الزامات را خفیف می نمایند

¶ اعضای پارلمان عثمانی در نشست مجلس (س - سینه) و در روز اعلانی داده که اطاعت از اردوی سلايك باید نمود - بعد از آن مجلس سری دروازه سلطان شد - قشون محرمیه که نزد امیرالبحر (کابل) روانه شده بود بگفتا وارد و اطاعت خود را به مجلس ملی ظاهر کرد -

§ (مارشل شفقت) و (علی رضا پاشا) وزیر جنگ سابق وارد (سن استیفانو) شده، اظهار داشت که تکمیل انتظامات نموده. در اسلامبول امر تحلیف جاری است ولی بسیاری از سپاهیان از قسم خوردن انکار دارند.

§ گویا پارلمان در (سن استیفانو) برای عزل سلطان و نصب (رشید افندی) به سلطنت متفق الرای شده اند.

§ امروز حالت اسلامبول خیلی نازک است (مارشل شفقت) از انتظام امر انکار کرده چه کار بسیار سخت معلوم می شود. بسیاری از سپاهیان از قسم خوردن به اطاعت افسران انکار نموده و بیکوینت تا وقتیکه افسران به اطاعت سلطان قسم نخورند ما قسم نسوایم خورد.

§ (مارشل شفقت) کاندالت قشون سلاویک به سلطان تلگرافی نموده که از صلح و بی صلح صرف نظر نمیتواند، چه خواهش قشون این است و باید نصیب شود و کلای پارلمان نمای بدون شرکت عامه درین مسئله فور مینمایند.

§ تلگرافی از سلاویک رسیده که تمام اعضای انجمن اتحاد و ترقی بعد از مشاوره با رشید افندی تصفیه نموده اند که او را سلطان اعلان کنند، و این نیز قرار داده شده که شبانه بر یهدیز حمله نمایند.

§ پیشقدمی اردوی سلاویک بجانب اسلامبول شروع شده مقدمه الحیش آنها تا سه فرسخی (پیرا) رسیده. سرباز خانه که در بیرون اسلامبول بود چون سربازان در (سلام لقی) در رقب سلطان بودند خالی یاقه قشون سلاویک متصرف شدند. بعد از هود نشان از (سلام لقی) جنگ خفیی واقع و دوشر مجروح شد.

§ از بیت المقدس خبر رسیده که تمام طبقات متفقاً به اسلامبول تلگراف نموده و از اطاعت و قبول وزارت جدید امتناع خود را ظاهر داشته و بیان کرده اند که اگر مجلس پارلمان مانند اول برقرار نشود آزادی

بیت المقدس را اعلام میکنند.

§ از (پیرا) خبر رسیده که از طلوع صبح جنگ در اطراف (یهدیز) شروع مسکر دیده و بین اردوی سلاویک و قشون یهدیز تنور جنگ مشعل است.

§ از سلاویک خبر رسیده که قشون (یهدیز) تسلیم شدند بدون مقابله (مارشل شفقت) داخل شهر شد اهالی با منتهای مسرت او را پذیرفته اند.

§ تدارک اسلامبول ظاهر میدارد که شنبه تا عصر در شهر امنیت بوده قشونیک تسلیم شده بودند با اداره جنگی وارد گردیده حبس نظر اند، و کسانیک در قمارت شهر دست درازی نموده بودند گرفتار شدند، اردوی سلاویک ابدأ مخالف از قواعد جنگی نکرده و سلوکشان مغفولانه بود معلوم می شود که آغاز جنگ شب جمعه شده اردوی سلاویک کم کم پیش آمده تا نزدیکی (تفکیشلا و تقسیم) رسیدند قشون سلطان آن مقامات را متصرف بودند، در (تقسیم) سه ساعت کامل جنگ بود و مابیت طرفین دست و پاره شده قشون ملی غالب و تمام را متصرف شدند، فقط در جنگ (تقسیم) هزار نفر کشته شد.

§ قشون ساحلوی قلعه اسلامبول تمام تسلیم شدند تصانات طرفین زیاد است، سرباز خانه های قلعه را اردوی سلاویک از توب بست ساختند، و داخل کوچه و بازار شده انتظام شهر را بدست خود گرفتند تمام سفارت خانه ها را متکفل حفاظت گردیدند.

اسای معاوین انجمن یوکان

و ایتم ایران

{ عطف باسابق }

از جانب مخیرین حیدرآباد بتوسط جناب دامی الاسلام

۵۵ - ۲

از جانب مولوی مقبول احمد

۱۵

صاحب رامپور

۱۰۰ - ۲

جمع

۷۱۸۶ - ۲

جمع سابق

۷۲۸۶ - ۴

حد کا

Habul Matin Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپيه -- ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثماني و مصر

۵ عيدي -- ۳ عيدي

اروپا و چين

۳۰ فرانك -- ۱۶ فرانك

الماتین

سنه ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با
مدیر کل مؤید الاسلام است
هر دو شنبه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
هر یوم دو شنبه
۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۷ هجری

تذکره مخصوص اداره

(۳ مطابق ۱۲ ع ۲)

از طهران - جبل اللین - دستخط افتتاح پارلمان
و مجلس سنا صادر ، انتخابات وکلاء ملی شروع .. کابینه
وزراء تبدیل ، موقتاً مشار السلطنه وزیر خارجه معین
گردید (ضیاء)

جبل اللین

خداوند رحمت کند سلطان عبدالحمید و قوت دهد
جوانان ترک را ، و بر استقلال سرداران ملی ما خاصه
حضرت ستار خان و سایر مجاهدین غیور تبریز بیفزاید ،
ولی همین قدر ملتیمان باید بداند که آنچه دارد از
آزادی قاهره مایه دارند و قوای قاهره هماره باید در
کف ملت ماند تا مشروطیت ایران رضیح حاصل کند
ورنه بعوض نفع نقصان خواهند دید (مرد آخر بین
مبارک بنده است) حکما گفته اند من جرب المجر ب
حلت به الدماه

جلوس میدت مانوس

اعلیحضرت سلطان محمد نجیب

(خلد الله ملکه و سلطانه)

اعلیحضرت سلطان محمد نجیب حسب الوارثه والاستحقاق
بسلطنت عالیة عثمانی برقرار گردید ، این سلطان حلیل المذکر
دارای مزایای چندیست که هیچیک از سلاطین آل عثمان
را نبوده ، من جمله اول سلطان است از آل عثمان که
بقانون مشروطیت انتخاب شده است .

از آن راهیک شصت و پنج مراحل زندگان را
طی کرده کامل و بیخه و خالی از هو و موسسهای
جوانی (که مورت بسی خرابیهای ملک و موات است)
میباشند ، صدمات زطاه را جشیده ، بستی و باندی دنیا
را بچشم دیده ، و نتیجه اعمال مات کشاه را در

پیش چشم ملاحظه فرموده سر مشق حاصل نموده اند
چون این مقام منیع را در سایه مشروطیت سلطنت
یافته هماره سلطنت شوروی را مقدس خواهند دانست ،
امیدواریم بزرگترین سلاطین تاریخی عالم که مورت ترقی
و اتحاد واقعی مسلمانان گردیده بشمار آیند

اعظم مزایای این سلطان عظیم الشأن همارا حصول
مشروعیت سلطنت و خلافت عثمانی است از روی قوانین
شرح مطهر اسلام چه بر حسب قانون شرح در انتخاب
خلافت عبر منصوص اجماع امت لازم است و هیچ یک
از سلاطین آل عثمان باجماع امت سلطنت نیافته ، بلکه
ماصول وراثت و ولیعهدی بر اریکه جهانبانی جای
گزیده ، و پس از غلبه و استیلای سلطنت مسلمانان
تسام خلافت و سلطنت وی نموده اند

ولی اعلیحضرت سلطان محمد نجیب شار اصول
خلافت اولیه اسلام و کلاهی تمام مسلمانان عثمانی که عبارت
از اعضای پارلمان باجماع و اتفاق گله ایشان را بخلافت
و سلطنت عثمانی نامزد نمودند ،

پس او این سلطان و خلافت مشروعیکه در آل عثمان
باجماع امت انتخاب شده اعلیحضرت سلطان محمد نجیب
است و این مراتب هیچ یک از سلاطین آل عثمان را
حاصل نگردیده بود

نوامت برخی مسلمانان کم اطلاع ازینکه مقام مانع
روحانیت سلطنت عثمانی را از خلع عبدالحمید خلیل رسیده اند
مقرون بصواب نتوان دانست ، بلکه باید گفت امروز
روحانیت سلام در سلاطین آل عثمان قوت گرفت ،
و بر طبق فر نین شرح اور مشروعبیت حاصل نمود ، و
باید خلافت سلطان محمد نجیب را مانند مدو اسلام و خلافت
داشتن باجماع امت گفت ، و چنین سعادت هیچ یک
از سلاطین اسلام را تا کنون میسر نشده بود

پس از حلوس اعلی حضرت سلطان محمد یحیی ماریکه
 جهانیان و خلافت و سلطنت ایرانیان هندوستان نظر
 محاسنه اسلامیت پس از اتحاد افکار تلکراف ذیلی را
 توسط وزیر خارجه و رئیس پارلمان عمانی و همچنین
 سعادت اسلامبول به پیش گاه اعلی حضرت سلطان محمد
 و نیز تلکرافی مانجس اتحاد و ترقی عمانی که کبیته آن نیز
 به انجمن سعادت اسلامبول فرستاده شد مخبره گردد
 ﴿ تلکراف ایرانیان هندوستان به پیش گاه ﴾
 (علی حضرت سلطان محمد)
 (۲۹ اپریل)

ایرانیان هندوستان با کمال تعظیم حلوس مبارک
 علی حضرت سلطان محمد یحیی را صدیاه تبریک میگویند
 ﴿ تلکراف ایرانیان هندوستان ﴾
 (با انجمن اتحاد و ترقی عمان)
 (۲۹ اپریل)

فتوحات اسلام پرورانه انجمن اتحاد و ترقی را از
 صمیم قلب تبریک گفته و مقنی هستیم که برادران فیروز
 تبریزی خود را فراموش نه نمایند
 - وظیفه ملی ایرانیان -

بزرگترین نقصی که ملت ایران را در عدم پیشرفت
 مقاصد ملیه می باشد ، این است که رؤسای ملی در
 پیشرفت امور ملیه پروگرام صحیح اتخاذ نموده تبریزبان
 وضع خود پیشرفت کرده و تاکنون هم استقامت نموده
 اند . گیلانیها در صدد خاص قدم میزنند ، بختیارها
 طریقه مخصوص گرفته اند ، و هكذا سایر بلاد ، در حقیقت
 حرکات هیچ یک از رؤسای ملت مربوط بآن دیگر
 نیست . و این نقص از آن است که تاکنون عملاً و
 رؤسای مشروطین ایران یک هیئت صادق طایفه دانای
 برای تربیت پروگرام صحیح و یک مرکز جامع و مافی
 محیوه انجمن این خدمت بزرگ معین نه نموده اند ، و
 تا وقتی که ما رای پیشرفت مقاصد مشروطیت اقدام
 بانجام این امر نه نمایم ، وجهی از دامایان ملت و واقعین
 رموز را جداً در یک مرکز بکار نیاوریم ، چنانچه
 شاید و باید کارها بر وفق سرام نخواهد گردید
 سالاران و سرداران ملت و انجمنهای ولایتی و
 ایالتی ایران چون نظرشان در دایره خود و بهمان محوطه
 است ولو هر قدر دانا و عالم و فووقون باشند در -
 نمیتوانند مقتضیات عمومی بی برده ، خصوصیات پلنیکی
 که راجع بکلیه ایران است استنباط نمایند

پیشرفت مقاصد نمایان چه در اول مشروطیت و -
 امر زنبود مگر واسطه مرکز صحیح و پروگرام کامله
 دامایان و اعضای انجمن اتحاد و ترقی مرتب کرده بود ،
 اگر دامایان مامم از آثار انقلاب در یک مرکزی

جمع شده و پروگرامی برای پیشرفت امور ملی مرتب کرده
 و هر نقطه دستور العمل صحیح از نقطه مرکزی میرفت
 نه این قدر اختلاف مسلک پیدا می شد ، نه تا این
 درجه کارها تعویق می افتاد که براه دست همسایگان
 اوقند که مداخلت مسلحه دوامور داخله ما باسم محافظه
 مال و جان رعایای خود نه باشد ، اگر ما پروگرام صحیح
 و نقطه مرکزی داشتیم تنها تبریز را نه مقابل
 مستبدین تا این درجه نمیگذاردیم

این هفتت اخبارات اروپا خیلی شایسته ارسا بر مراکز
 مشروطین ایران خاصه اصفهان و گیلان بوده که چرا
 نباید تا کنون به هجات اهالی تبریز کوشش نموده باشند ،
 و تعجب کرده اند که ایرانیها چگونه دعوی مشروطیت
 می نمایند و حال آنکه تا یکدیگر تا این درجه هم
 همدردی ندارند که مجزئی مالیه خود کک به تبریزبان
 داده که از حیث پول در ضیق و تنگی بمانند ، چه
 سدمه ، به تبریز وارد آمده تمام اردست تنگی فقرا بوده
 و کسی پول سبب این دست تنگی گردید که از عده
 قشون ملی بکاشند ، و سواران بسیار نگاه ندارند ،
 و هرگاه قتل طالیه آنها نبود هرگز لشکر استبداد
 بمقصر محاصره تبریز نمیگردید ، چه اینک ده ماه است
 که در هر میدان قشون ملی غالب آمده ، و هر وقت که
 حمله بمخمس آورده آنها را از جای کنده اند ، ولی
 چون سواران بسیار داشته توانسته اند آنها را خیلی
 تعقیب نموده بکلی منتشر سازند ، این بود که هر
 قشوی که میگردید نتیجه حاصل نمیگردید ، و قشون
 پراکنده شده استبداد چندمیل عقب تر مشغول محاصره
 می شد ، چون افسوس برگزیده را سودی نیست ازین
 سخنان صرف نظر نموده میگوییم :-

اینک بز هر قدر زود تر اقدام بر این امر شود
 دیر است ، لذا جمیع دامایان ملت را متوجه این نکته
 اهم نموده که از وضع طایع و واقعات تبریز و روشهای
 خود سرانه انجمنهای ایالتی و ولایتی متنبه شده از طاقت
 و طایفه آن صرف نظر نکرده بپوش آیند ، و خواهش
 می نمایم که در صدد تعیین نقطه مرکزی و تربیت
 پروگرام صحیح براساس تمام نقاط مشروطین برآیند

جدالمتین درین مقصود همه قسم حاضر است ، ولو
 مرکز را در قسای شرق با غرب قرار دهند
 شرکت و مساعدت خواهد نمود ، یکی دو نفر هم از
 دامایان و دوستان صمیمی ما در کلکته و بمبئی همه قسم
 مشارکت حاضر اند ، امروز کار ایران از مجالس سری
 گذشته است ، باید این هیئت عالی و در مرکز معین
 مشغول بکار باشند و ما مقین داریم که حضرات آیات الله
 نجف اشرف هم ملتای مساعدت را باین مرکز خواهند

فرمود ، هنوز اول کار است و اگر چنین سرکزی را دارا نباشیم خوف عظیم در آتیه ایران خواهد رفت ، سببه های مختلف را همین که ملک هم مختلف باشد خیلی مورت حراری میگرد

و درود لشکر روس در تبریز اگر چه با هم نگاهداری امنیت و حفظ رعایای خویش و رساندن آذوقه بآنها است و موقع چنان پیش آمده که در معنی همچو ظاهر دارند که بجهت ملت چنین حرکت کرده ایم

ولی ارباب سیاست را پوشیده نیست که دول اروپا بشکر ملک و ملت و دولت ما نیستند ، آنها رفع خویش را میجویند ، دولت روس تریب قشون داده و این رحمت را متحمل شده که ما عالی تبریز خدمت باید ، سیاستون بر سیل هموم هرگز از دایره منافع خود قدم بیرون نمیگذارند ، ما راست که علاج دردهای درونی خود به بردازیم و چشم از همراهی دیگران و ندیم و این نکته را جداً بدام که همسایگان ما هرگز طالب نیستند که ایران آرام گیرد و سختی که درین موضوع میگویند تمام مبنی بر پلنگ است و هماره می خواهند خود که آب را کل آلود داشته تا موقع یافته ما می بگیرند

وقتی که مجلس ملی قوت داشت تأیید از شاه کرده و ملت و وکلای مجلس را تهدید نموده تا مجلس مقدس شورای ملی را منهدم ساختند ، همینکه شاه را قوی یافتند در ضعف وی کوشیدند ، ده ماه است برایشه پشرفت مقاصد پلنگی خود ملت و دولت ما را در مقابل یکدیگر واداشته نگراند که یکی بر دیگری غلبه حاصل نه باید ، تا رفع هر چه و سرچ مملکت گردد ، (همان حکایت است که تازی میگویند بکیر و ه شکار میگویند بدو)

هر وقت یک حرکت جدی از ملت مدیه می باید که آثار ظلمت را ظاهر میدارد فوراً یک بروتنی بشاه نموده و چندی بامید و بیم منتظر میدارد ، این پلنگها هر چه و سرچ را بجائی رسانند که نام حفظ امنیت و مال و جان رعایای یکی از شمال و دیگری از جنوب خود را مجبور بدخالت مسلحه مینمایند

ظاهر است که قشون بیگانه در حماکت حکم میگرد و را دارد که رفته رفته زیاد می شود ، و علاج آن منحصر است که جداً ملت اقدام نموده رفع هر چه و سرچ را از مملکت به نماید

امروز نگران سرداران ملی و سایر مراکز مشروطیت از تبریز تا درجه رفع گردیده ، هرگاه جداً اقدام نه نمایند ، و در حال بطهران متفق نگردند ،

ازین و بعد همه روزه اسباب پسهانه جوئی خارج پش خواهد آمد و بجای فتح قصان خواهیم بود ، اینک که قشون همسایگان در خاک ما وارد شده اسباب پسهانه جوئی آنها بیشتر فراهم است

این بی برده ، حضرت سپه دار اعظم و حضرت سردار ارفع و حضرتین صاحبام السلطه و سردار اسدرا مخاطب ساخته عاجزانه عرض میکنم ،

ای بلند کنندگان بیرق مشروطیت ! اگر پیش زین دو کار عمل نماید اقدامات شاه بزرگواران وطن عزیز ما را بجای فتح قصار خواهد رسانید و نام نامی شاه سالاران در تاریخ ملی انکه دار خواهد گردید ، چرا از جوانان غیور ترك سبق میگیرید که يك ساعت فوت وقت به هودد ؟ چرا دشمن را فرصت میدهید که بر شاه جانت میکند ؟ يك جنبش منهدم کننده غیورانه شاه فرزندان رشید وطن ، ریشه استبداد کنده خواهد شد آیا شما خواهید نشست که رفته رفته پسهانه مدس همسایگان آمده دست بی ناموسی بدانان وطن عزیزتان دراز نمایند ؟ بحقوق وطن قسم هر قوم که مرعوب شد استقلال خود را باحت ، هر ملت که ترسید دلیل احاط گردید ، مکرش با دگوار برای ز قدیم نیستند ؟ مکرش اولاد بدوان شجاع این خطه شجاعت خیز میداشند ؟ مگر در رکاب ناد و صوفیه غیر از بداران شاه بود ؟ بوجدانم سوگند هر قدر تا مل کند کار سخت تر می شود ، هر قدر به رسید خصم بیشتر رشها چیره میگردد ، قوای ملی شاه با اندازه است که اگر محنت کنید خارجه قدرت اصحاب شاه دارند ، مراتب نزاکت بی المللی لازم است ، ولی تا حلیکه ترشح خوف بر او برود و مبادله بتل هم نشود

حضرات آیات الله ! میدانیم در چه حال اید ؟ آیات طابقت این عملکات اسلامی را می بیند یا خبر ؟ ما را حد آن نیست که برای آن موایان تکلیف همین ما ایم همین قدر عرض میکنم ، کار بقول شما حالا دیگر پشرفت نمیرود ، امروز موقع فعلیت و جدیت است ، و اول اقدام فیصله عمل طهران که ام القادسات باید ، چه همینکه عمل طهران فیصل یافت باقی آمد ، و طبعاً فیصله می باید ، و همسایگان پیش پایسه خود می ایستند و ره باید بر حال اسلام و مسلمانان ده نمود ، چشم ازین جوان وطن فروشی اسلام کش به شید ، مانند نمایان کار را بکطره کنبد ، از آن باید ترسید که وقتی پیش آید که اقتدار موجوده هم برای ملت باقی نماند در آنوقت جز کف افسوس سودن و سود نه بودن نتیجه حاصل نخواهد شد

واقعات بوشهر

(۱۳۲۷ - ۱ ع ۲۷)

(وقایع نگار ما)

واقعات ناگوار بوشهر را در هفته‌های قبل عرض نموده درین هفته واقعه‌ای پیش نیامده ، جناب آقا سید مرتضی اهرمی گوشه‌گیری اختیار نموده ، آقا میرزا علی کافروزی رئیس انجمن ترك بوشهر گفته و بازگشت ، میرزا احمدخان امیر بجه حاکم موقتی شد ، و سر باز بجمع ادارات کاشت ، ضایعات حفظ مال و جان رطابای خارجه را با اعتلاء لدرقه کار گذار توام نموده جواب بالیوز انگلیس این بود که باید نجار و انجمن چنین ضایعاتی بیاينده چون مسموع شده بود که رؤسای تنگستانی را برنی مستعد نموده که دوباره به بوشهر بیایند و مزید اغتشاش شوند ، بالیوز انگلیس اعلان ذیل را داد و در میدان خارج شهر هم جمعی از قشون بحری را بانوب معین کرد

اعلان بالیوزگری انگلیس در بوشهر

(۲۰ ع ۱ - ۱۶ اپریل)

در دم این ماه اعلان از این بالیوزگری صادر گردید و توضیحات دوستانه بملت بوشهر داده که لاداً لارم گشت آدم از جهاز پیاده شود ، زیرا که شهر و جزیره محلو از تفنگچیان گردیده و مشارالهم تحت انضباط آنهایکه ایشان را آورده بودند می بودند ، ازین رو املیت عمومی و نفوس رطابای انگلیس و خارجه در مخاطره افتاده است ، از آن به سد نظر به پیاده شدن سر باز بحری تا امروز صبح نفاذ معتناه حاصل گردیده و جمیع کثیری از تفنگچیان خارج شد ، بودند ولی امروز چنین باحفاظ ایجاب رسید که کسی نرند و لو این تنگستان را معین حکمتند و آنها را برگردانند ، اگر اشخاص مذکورین مسامی بمراجعت شوند هیچ نتیجه حاصل نخواهد گشت مگر اینکه اغتشاشات حدیده بروز نماید ، و خطرات تازه نحوه نفوس و رطابای انگلیس و خارجه دست دهد ، و املیت عمومی خنل یابد ، محض اینکه همچو حوادث مظهر برسد ایجاب مقرر داشت که مستحفظ و قراول سر تا سر میدان خارج شهر گذرده شود تا بیک اشخاص مسامع غیر مأذون مجدداً برای نفاذ داخل نشوند ، اگر کسی متعرض به ایتمان نشود آنها کسی را تعرض نخواهند نمود ، و مقصود این است که اشخاص مسامی را که داخل شهر میشوند ممانعت کنند

بالیوزگری جنرال فونسل انگلیس در

خلیج فارس و خوزستان

•••

مسموع می شود که شیخ حسین جاوگواهی و میربجه

به بالیوز انگلیس در بخاره اند که از میدان قشون بحری برداشته شود و آنها ضامن اند که احدی از تنگستانیها وارد بوشهر نشوند ، درین باب جدیدت نموده و (بالیوز هم قبول کرده میدان بیرون شهر را از قشون بحری مخفی نموده بسیارهم مجهاز خود کرده اند

افواهات بوشهر بسیار است ، من جمله میگویند امیر بجه تلگرافی به طهران زده که جمیع دوتر دولتی را متصرف شدم ، و نیز افواه است که حضرت مصمم السالطه تلگرافی به میربجه نموده سخت تهدید کرده که برخلاف مشروطیت قدمی برندارد ولی بتفیده شده نباید این مطالب خالی از اغراق باشد چه میربجه از مؤسین مشروطیت بوشهر بشار بود مصطفی نواب هم محبوس گردید برای کم کردن دست و پای مشروطیین اخبارات کاذبه خیلی شاعت میدهند ، عیب کار از اینجا رخاست که بعد از مشروطیت بوشهر مؤسین ندانستند چگونه حرکت نمایند ، از مدام کاری یا حفظ الرجالی بدون تأمل همان ملازمین دوات و ابروی کار آوردند و هیچ منتظم بر آنها کاشته نیامد ، پس از وقوع آن گنده کاریها که ارکان مشروطیت را متزلزل ساخت مأمورین کم بجره بی اطلاع هم حال کار خود را بشناخته بنای خود شیرینی را نزد مستبدین گذارند ، یعنی بقای مقام و مهده خلویش را باین خود شیرینیها دانستند ، و حال آنکه این امر خطای بین بود ، چه بتفیده جمیع دامایان بحال است که دوباره استبداد در ایران نمود باید ، و این حرکات مذبحه است که مستبدین دارند

افواه است در باب یکی تا چند روز بعد وارد می شود ، مشروطه خواهان ازین نکته متوشند ، ولی بتفیده نگارند ، بر فرس که در باب یکی هم حکومت بیاید چون حوشیار و رنگ است از هر طرف که باد آید بادش خواهد زد و چون می بیند استبداد را آفتاب بلب بام رسیده مخالفت با مشروطه نخواهد کرد تلگرافیکه درین هفته از هر نقطه بوشهر رسیده و جوابها بیکه هر جا داده اند آنچه بدست نگارندهم آمده از قرار ذیل است

تلگرافات

از نجف ۴ - سپر ۱۲۶ بتاریخ ۲۲ عارت مطابق ۱۴ ع ۱۳۲۷ صره - توسط دهرشقی - بوشهر - ملاذالاسلام آقا سید مرتضی اهرمی و سایر آقایان علما و ملت فارس دام تأییدانهم - مسامی حیده در قلع مواد ظلم و استبداد مشکر و مزید امتنان در حفظ املیت عمومی و عدم تعرض احدی از اشخاص خارجه و داخله من الاسلام والیهود و غیر هم بر عموم ملت واجب و از جناب حجة الاسلام آقا سید عبدالحسین دام تأیید

بعد از ابلاغ سلام مراقبت کامله در هر باب مترقب
انشاء الله تعالی

عبدالله مازندرانی - محمد کاظم الخراسانی

از تلکته بتوسط انجمن ولایی

انجمن ولایی بوشهر - استقلال مشروطیت واحد،
خود فرضی واقع باعث قتل صد هزار نفوس است
از اقتضای خودتان و سنگ تاریخی پرهیزید، ناموستان
را حفظ کنید فوری جواب - حبیل الملتین

جواب از بوشهر

حبیل الملتین - بعد از قتل، تجار مستفید بعضی مجاهدین را
افوا نمودند تا موجب قارت چند دکان شد، انگلیسها
هم قارت را دست آور کرده گرفتار قبضه نموده متصدی
نظم هم میشوند، امیرنجا بهر ای تجار مستفید استبداد
که موافق با اصلاح انگلیسهاست قوت میدهند، مترقب
در باب یکی هم هستند - دیگر هر طریق بدید در مقام
برآید - مرتضی اهری -

از طهران بیوشهر ۱۳ اپریل ۱۹۰۹ - ۲۷

(ربیع الاولی ۱۳۲۷ بتوسط تلکرافخانه انگلیس)

خدمت جناب مستطاب آقای آقا سید مرتضی

اهری دام توفیقاه

از قراریکه شنیده میشود در هیجانی که از طرف
سواران تنگتانی در بوشهر شده است جیاول و
صدقات زیاد به اهالی آنجا وارد، بوشهر خیلی بی نظم
شده - این مسئله اسباب رنجش انگلیسها شده است،
میدانید نظر عمده ملتیان و مشروطه خواهان حفظ
املیت و آسایش هموم است، خصوصاً نسبتاً خارجه، متمنی
است انجمن را بطوری مرتب داری که کمال نظم و امنیت
در شهر و اطراف حاصل شود، اسباب رضیه خاطر
اجانب شود، چگونه را تلکراف کلید

(دامی سید محمد اطام زاده - الاحقر صدر لوطایا)

انجمن سعادت اسلامبول

در باب حفظ امنیت طرق و سکان و پست و
خصوصاً رعایای خارجه و تأدیات اقساط محاسبه
انگلیسها بموجب ثبت دفتر گمرکات بنادر به آقای سید
مرتضی اهری در بوشهر تلکرافاً تأکید فرمائید، به
حیج اسلام عتبات هم بتلکرافت تا تلکراف کنند،
سداقه یزدی - علی طباطبائی - سید محمد اطام زاده -

آقای صدر العالی

تلکراف از بیثی

(توسط رئیس النجار - کاررو - بهای - گلش)

هموم علماء و تجار لازم است فوراً بحوائج اطراف
اتفاق نموده حکومت مقتدر مستقلی تعیین که قوت عذر
و موجب تحلیه خارجه گردد، بر ناموس خود و وطن
ترحم، سرمشق و محاسبه شاهی دهید، غیرت وطنیان
کجاست، خود آنرا که عیب سفاقت تاریخی اسلام و
ایران قرار دهید

امین النجار - دمدشق - وطن خواهان

جواب از بوشهر به بیثی - امین النجار -

(دمدشق - وطنخواهان بیثی)

مقرضین استاده نامم مشروطه خواهی اهدم، امر
وصح را تغییر داده، برای بودن طابقت گمرکی امور آنرا
خراب، و اسم مشروطه را صایع، و بهای دست خارجه
دادند - که اصلاح آرا، قوتاً خارجه، مددک هدیه،
آسوده نیستیم، امید داریم که مقصود عمل آید

(رئیس النجار - کاررو - گلش - بیثی)

تلکراف حضرت سردار اصح از

(محرمه بوشهر)

خدمت جناب مستطاب صحه الاسلامه آقای سید مرتضی
محمد اهری سلامه الله تعالی از سلاطین وجود مسعود
استعلام و عن تلکراف انجمن تبریز درج میباشد
از شدت ضعف دولتیان شده نفع اسلام را مدد کرده
حضور و سطا نموده بی اطلاع صحیح و مدد
ایشان قبول نخواهد شد، قوی ملای در تبریز -
انجمن ایالتی مرصد در طابقت (۲۳ ع ۱ خزعل)

• • •

پس از رسیدن این تلکرافات آذر روی لجاحت
و خود فرضی تمام اهالی ریخته، گویا همه نام شده
ملفت اقتضاحات خویش گردیده در صد تدارکات
طاقت ر آمده اند، آثار خود استبداد که نمایان بود کم
دارد مریغ می شود، دو مرتبه جدیدت ناره در اهلی
نموده است و در صد ر آمده اند که انجمن اهلی
با اعضای درست کار دانا منتع نموده راسق عتب
مشروطیت را بگیرند،

تلکرافی که از انجمن ولایی اسفهان و حضرت
مصمم السلطنه به انجمن ولایی بوشهر رسیده بود هفت

گفته عرض نمود جوایزه انجمن ولایتی اصفهان داد موجب ذیل است

تذکره بوشهر و اصفهان

دولت سربان انگلیس ۲۵۰ هزار سرباز بحری ونوی و استعداد کامل بیاده و کربک را متصرف شده اند

• • •

اعلامیم بامضای انجمن هوا خواهان مشروطیت بوشهر اشاعت یافته ولی بنده از انجمن و امضای آن اطلاع ندارم که مسلکشان چه و چگونه اشخاص اند

اعلان از طرف عموم ملت ایران در بوشهر

و عموم هوا خواهان آزادی دولت متعمده علم بوشهره نباشد که از روز دوشنبه ۲۹ شهر صفر لظفر مطابق ۲۲ ماه مارچ ۱۹۰۹ که در بوشهر اشخاص آزادی خواه ملت و مشروطه خواه آقای آقا سید مرتضی امری را ر انکبختند از برای انقضاء انجمن شورای محلی و ایشان هم بهرامی جماعتی تنگچی ادارات دولتی را متصرف گشته و بعد از آن تحریکات ماطنی که بهانه دستشان بیاید، حاجی ملا احمد ماسی را وا داشتند که نمایین مردم و آقای امری خاق بیندازند، از این طرف و آقا میگفتند که آقا بولهای کربک را باید خارج تنگچی وغیره بکنی، از آن طرف زدند نجار و اهل شهر رفته میگفتند که بعد بولهای کربک را حلو کرده و خاق نمایین نجار و علماء و اهل شهر با آقای امری اداختند که طاقت همسایه وقت را قیمت دادند آدم و توپ باسم حفظ رعایا بدون اینکه آسیبی رعایای رسیده باشد بیاده کرد، از پیاده شدن آدم و توپ تمام اهالی بوشهر خائف شدند از آن طرف هم افواه است نماینده همسایه بعضی نوشته جات تمام کرده بذریعه حاجی ملا احمد نزد علماء و نجار فرستاده که بامضاء رسانند مردم هم از ترس آدم و توپ نوشته جات ماحق را امضاء مینمایند مقصود از این اعلان این است که از تاریخ امروز تا الی بعد هرگاه نوشته جاتی همسایگان در بوشهر بامضاء نجار و علماء تمام کرده باشند مردم از ترس امضاء کرده اند، ابدأ ملت آن نوشته جات را قبول نداشته و بهیچوجه مجرا نخواهد بود و هرگاه ناسخی هم ر برای این اعلان نخواهند تمام بکنند از ترس تمام

میشود آن هم ابدأ محل اعتبار نباشد (امضاء انجمن هوا خواهان مشروطیت در بوشهر)

• • •

آنچه مسموع است يك انجمن مری هم در بوشهر قائم شده که خیلی حدیث و اهمیت دارد، مقصود این انجمن سر نگون ساحق مخالفین مشروطیت در بوشهر است هر که باشد و هر قسم که مقتضی وقت آید، چند نفر از امضای این انجمن را بنده می شناسم هم حدیث دارد و هم فکن، در هر صورت تا درجه جناب عالی را اطمینان میدهم که استبداد در بوشهر نمود نخواهد نمود، نجار هم رفته رفته قلباً مائل مشروطیت می شود

موجب اخبار این هفته، در بهمان مبادی اهالی باقوان جنگ شده و طایفه (بهمن) بحایت قوانی و طایفه (باراحدی) بحایت بهمان مشغول زد و خورد میباشند طرف و شوارع فارس قسمی تا امن شده که عبور و مرور فوافل یکدفعه نزدیک است مسدود شود، دو بوم قبله عده از قوفل که حمل آنها طالتجاره بوده از بوشهر حرکت و در سه فرسخی او را بشارت زدند و سارقین میگوبند تنگانی بوده که تا کنون با مستحفظین راه که شیخ حسین جاهد سکوناهی باشد مشغول زد و خورد میباشند

ایل کشکونی تمام مضامین شبانگاره را قارت وجبی کثیر را گشته بد

اهالی دشتستان هم خیال تعاقب بایل مذکور دارند، از تیراز بجوجی که این هفته نوشته اند مجدداً نصرالدوله پسر سکوجک قوام با جمع کثیری سوار و دو مراده توپ حرکت بطرف فسا و داراب نموده، میگوبند بجهت مقاتله با شیخ دکریا رفته است، چونکه شیخ فکریا و قشون لار از تیریز خائف بطرف سرستان کشیده، ولی اهالی اصطهبانات و فسا و داراب که اول ورا دعوت نموده بودند بواسطه قتل طای که در تیریز نموده بود تمام اظهار کدورت از او کرده اند، تقدماً خود شیخ هم از صولت دوره قشون خواسته است

و نیز نوشته اند که ایالت فارس که آصف دوره باشد خود را از باع ظاهر نپسازد وعده قشون بجهت

حفاظت از سوله دوله خواسته است

از بابت انجمن ایالتی شیراز نوشته اند برقرار است و اداره ترتیب داده اند که او را (رفع ظلم از ظالم) نامیده اند ولی نوشته اند که تا کنون رفع ظلمی از کسی نشده بلکه بر ظلم ظالمین افزوده است بر حسب تلگرافی که از شیراز رسید. بازار و دکانین بند و مردم متوحش و تزلزل اند، چه طبر و سیده که سپهسالار حضرت حجت الاسلام حاجی آقا سید عبدالحسین مجتهد لاری حساب شیخ دکریا با اردوی جیبی تا تحت فرسخی شیراز رسید، نصرالدوله با عده از سواران حرب و پیادگان برای جلوگیری اردوی اسلامی رفته است. شیخ دکریا تمام بستگان قوام و مأمورین املاک آنها را گرفته و سینه همه را غارت نموده است

واقعه مهمی که بتازگی در بوشهر رخ داده این است که شب طوفان شدیدی آمده برق دولت را شکسته و این امر را مشروطیین و مستبدین بفال غیر میسوز گرفته میگویند عقرب سلطنت از آل قاجار انزاع خواهد گردید و در تاریخ سابق هم این نکته بیوت بیوت است

تقل از روزنامه خراسان

تلگراف از مشهد به نیشابور

۱۰ ربیع الاول

حضرت اشرف والا نیرالدوله بعد از انعقاد انجمن مقدس ایالتی رضی از مضرین مخالف در لباس موافقت بخیال فساد داخل حوزه ملت حوامسان شده بودند لهذا برای تشخیص مخالفین و امتحان خائنین انجمن ایالتی بحکروز تعطیل شد (لیمیزالحمیت من الطیب) الحمد لله فطرت خبیثه مخالفین از تلگرافاتی که در این ضمن طهران و حضرت والا بخابره کرده اند بموم ملت آشکار شد، خاطر والا باشتباه نرود که ملت خراسان همان طور که سابقاً تلگراف شده است بر حسب تکلیف مذهبی با اجرای مراسم مشروطیت قیام نموده و بموجب احکام مطاعه مبادی طالبه حکام و مأمورین دربار استبداد را بمحکومت نشانده بجز تصویب مجلس شورای ملی یا انجمنهای ایالتی که قائم مقام پارلمان است

هیچ حاکی را نخواهند پذیرفت

(انجمن ایالتی خراسان)

اخبار مهمه نقاط معظمه ایران

طهران - ۹ ربیع الاول صایع الدوله و مخبرالملک و مخبرالسلطه و صدیق حسرت با جمعی دیگر از معروفین به سفارت انگلیس رفته متحصن شده اند امروزها علاوه بر جمعیت زیاد که در زاویه مقدمه و در سفارت عثمانی متحصن گشته اند جمعی کثیر نیز در سفارت انگلیس برای مطالبه عود و اجرای قانون اساسی مجتمع میشوند، برای میرزا مصطفی پسر مرحوم آشتیانی (که در این اواخر با کمال جدیت در تقویت مشروطیت مساعدت مینمود در زاویه حضرت عبدالعظیم با چهار نفر دیگر از طرف دولتیان مقتول شد) در نقاط مهمه طهران علناً مجالس فایده خوانی با شکوه منعقد گردید و همچنین برای تشییع جنازه دیر هابون شاگردان مدرسه لسانی با معلمین خود بیشت نظامی حرکت کرده و ازدحام فیزی از اهالی در این موقع برپا شد

استراباد

بلکه دسته از مجاهدین قفقاز از مسلمان و گرمی با جمعی از مجاهدین گیلان با کشتی مخصوص از انزلی وارد (مشهدسر) شده تمام ادارات را ضبط نموده انجمن ملی را تشکیل دادند و بعد از انتظام امور آنها به (بندرجز) آمده ادارات آنها را نیز منصرف شده به تحت نظارت انجمن عملی واگذار نموده بعد از تنظیم کارهای آنها تلگرافهایی بندرجز را حکم از مخالفین مشروطیت بود مقلولاً از آنها حرکت داده هفتم ربیع الاول وارد استراباد شده، قریب شش هزار نفر مجاهدین مسلح از استراباد با طبل و شنبور و بیرف مشروطیت باستقبال مجاهدین شتافته با احترامات و پذیرایی عالی آنها را وارد شهر نمودند

کردستان و همدان

انجمن های ملی تشکیل یافته ولی بواسطه نوبت حکومت در شهر و ضبط معدن قوای دولتی اقدامات ملیه اهالی کاملاً پیشرفت نکرده بود، پس از انتشار اخبار (کرمانشاه) و الحراج حکومت آنها و ضبط قورخانه و ادارات دولتی از طرف کاشندگان انجمن

محل میجان تاره در هموم طبقات آشکار شده همین روزها مقاصد ملیه را کاملا انجام خواهند داد .

« اخبار شهری »

برروز عصری پسر غلام علی خان ناصر ملتصر الملک در حال مسقی در کوچه ارنجیت بمقام مبلغ حضرت آیه الله آملوند خراسانی پاره یاره سرانی و کلیات رکیکه نظهار کرده جبهی ز سر بازان فوج قرانی و عرب و عجم باقتضای فطرت اسلامیت متعادل استماع آن مزمارقات شده هموم آورده از فرار واقع سکنک کاری سخت کرده اند، چیزی نمانده بود که آن محل را از لوث و حدود آن لطیبت پاک سازند که در این موقع بعضی از فراتشان رسیده بالتمام زیاد جسم هم مرده اورا مستخلص نمودند، آفرین بفریت ملی و حمیت مذهبی سر بران عبور، مسلم است آن برادران غیرت مند همیشه پرده بندار را از نظار پاک خود مرتفع داشت ملتفت شدند که سایر برادران دین و وطنی در راه تکمیلاری اساس دین و ملت اسلام و حفظ حقوق آنها تا چه اندازه سرگرم فداکاری و جانب نشداری میباشد بحسب تکلیف مذهبی در قاع ریخته مخالف پیش از سایر طبقات ملت سی و کوشش خواهند نمود

« ادبیات - نارنجک »

خراسان را بلند آوازه کرد آوای نارنجک بنام بانگ بمب و سطوت غوغایی نارنجک نام فسر کابوت خورشید درخشان را همان بقی عیان در جزوی از اجزای نارنجک ترس ایستد از آتش نارنجک ملت که آخر مینهی جانب در سر سودای نارنجک برک آتش نشان کوشش اگر خواهم از آن برتر سکه ولکها بود ایوه در اعضای نارنجک ر ستیاد اگر بستند بر سبیل آزادیی دو صد (سکندر) بشکند دارای نارنجک تی چند از کند عیسان فزاید روح نوعی را هزاران آفرین بر صوت روح افزای نارنجک سا دلمها که در سختی فزون از سم و در بودی شد لوزیده چون سیاه از - پاسی نارنجک بوکوش ذو دلب گردد مصادف با رمیر آدم که از پرور افند مرغ ن پرواسی نارنجک

اگر ای مستبد چون سگوه قانی باشدت کافی اگر رقی جهد از سینة سینهایی نارنجک خربدش مستبد بر جان خرد آزاده با جاش بالای جان و نرخ جان بود کالای نارنجک مقدس مجلس شورا ز توب شه شد از ویران شود آباد باز از حمت والاسی نارنجک « اخبار نقاط جزو خراسان »

(تربت حیدریه)

۸ ربیع الاول که انجمن مقدس ایالتی تعطیل بود سالار معزز شوید حکومت ماعدت سواره مزم اسکات عیسان مجاهدین شبانه بطور محقق واحدی تربت گردید فردای آن روز ۹ انجمن ولایتی تلگرافاً اطلاع داده شد که مشارالیه بدون تصویب و اجازه انجمن ایالتی حرکت کرده و بحکومت تربت شناخته نخواهد شد . دهم ماه تلگرافی از انجمن ولایتی تربت باین مضمون رسید که (سالار معزز وارد دولت آباد شده از انجمن ولایتی حکسب تکلیف نموده تلگراف معرفی نکردن ایشان را بحکومت عینا فرستادیم، شرحی هم از امنیت و موجبات آسایش هموم نوشتیم سالاران و مجاهدین فقاز جدا با اقدامات قهریه مصمم شده اند دور دست که کار نزد و خورد ملتبی شود) صد از وصول این اخبار تلگراف ذیل از طرف انجمن ایالتی بخاره شد

« تلگراف از مشهد به تربت »

(۹۰ - ربیع الاول)

توسط انجمن محترم ولایتی بدولت آباد، جناب حاجی سالار معزز بخوردی، این مطلب را محقق بدانید که هرگاه در تربت یا اطراف آن با اقدام شخص شا غارتی واقع شود یا خون مسلمانان ریخته گردد هموم اهالی رحسب تکلیف مذهبی منزل و متعلقات شایسته تربت وارد خواهند آورد، امیدواریم ملت به شا عیر از اینها بود (انجمن ایالتی خراسان) تلگرافی دیگر نیز بانجمن ولایتی تربت در خصوص هر گروه اقدامات لازمه سکه صلاح بدانند بخوره شد و از بستگان و متعینین خود سالار معزز نیز در خصوص مراجعت تلگرافات شده است تا بعد چه شود

واقعات طهران

(ع ۱)

حال طهران خلیل خراب ، تا چند روز قبل بواسطه نصاب خیرین شاه حاضر شده بود مشروطه را بدهد ولی بعداً کینه رجال خان پیش برده بکلی او را ملصرف نمودند از دادن مشروطه حتی در چند روز قبل شاه علناً در دربار گفته بود ولو ولعهد را رو بروی چشم قطعه قطعه کنند دست بردار نیستیم و مشروطه بخوام داد و فعلاً مشغول سنگر ساختن هستیم . در میدان مشق و توپخانه و دم دروازه ها و اطراف باغ شاه و غیره

دیروز هم سه همراه توپ حرکت دادند به (پله کرج) که در راه تروپین است و در آنجا هم مشغول ساختن سنگر اند و بکلی از دادن مشروطه ملصرف و مشغول اقدامات خود هستند و هر جا مشروطه طلبان و احرار را گیر آورند معدوم می نمایند در شهر طهران هم سب امنیت عمومی از تمام طبقات شده هر روزه يك نفر دو نفر کشته و عده زخمی می شوند حجج اسلام حضرت عبدالمعظم و سفارت عثمانی نهایتاً با کمال استقامت و جرئت نشسته اند

دیروز که جمعه بود علناً اعلام فرموده بودند مردم ما آمده ایم اینجا کشته شویم نیامده ایم راحت باشیم هرکس می خواهد کشته شود بماند و هر که نخواهد برود این او اخر بنظر دولتیان چنین رسیده بود که حاجی حسین امین الضرب ساقی که پنج کروور تومان به بانک استقراضی مقروض است میخواهند این پنج کروور را جزه قرض دولت حساب نمایند و در عوض يك کروور پول نقد از حاجی حسین آقا بگیرند و تمام مطالبات شخصی او را از شاه صرف نظر کنند ، حاجی حسین آقا هم بی اندازه دست و پا کرده از برای انجام این مقصد خانانه ولی بمحمدافه انجام نگرفت رجال القیاب فوراً به هیئت ملت رایورت داده ملت هم پروتست به تمام سفارتخانهها فرستاده و مانع از حصول این مرام شدید بواسطه عدم مساعدت دولت با خیالات ملت سعادتشده در سه روز قبل استعفا از وزارت خارجه داد ولی استعفا او را هنوز نه پذیرفته اند

دیروز عصر جمعه ۲ ربیع الاول مجلسی در تخت مرمر تشکیل داده بودند از هیئت مستبدین از سفارت عثمانی و حضرت عبدالمعظم هم عده را وعده گرفتند از برای اینکه مذاکره بکنند آیا امروز مشروطه صلاح ایران است یا منته ، هیئت متحصنین شاهزاده عبدالمعظم و سفارت عثمانی عذر آورده نرفتند ، جواب دادند ما مشروطه ثابتة خود را می خواهیم دادید دادید دادید زور خواهیم گرفت

امام شنبه در آن مجلس نطق کرده که مشروطه حرام است آقا میرزا ابوالقاسم پسر ما حلف حجة الاسلام طباطبائی گفته بود اکثریت آراء در مذهب اسلام حرام است ، باری بعضی از همین قبیل مذكرات شده و مجلس را ختم نمودند

امین الدوله از وزارت پست استعفا کرده ولی قبول نشده

تلگراف ذیل از رشت بطهران رسیده -
 سفرای دول متحابه انگلیس و عثمانی و آلمان و اطریش فرانس روس ایتالیا خاطر مبارک تمام سفراء درل متمذنه ظلم مستحضر است ، که از برای بدست آوردن حقوق منصوبه خود ملت ایران سخت عمل و پیش نهاد خود نموده و می باید و در تمام این مباحثها در تمام نقاط ایران خصوصاً گیلان تا امروز از طرف ملتی ها ابداً تعدی به حقوق و حدود اتباع خارجه نشده است بلکه شب و روز هم خورا مصروف امنیت هموم داخله و خارجه و حفظ روابط تجاری دول همجوار نموده و میبایست ، و از تمامی قوسلههای محترم مقیم رشت حتی قونسلسخانه دولت بهبه روس رضایت نامه در دست است معذالک از طرف دولت روس جهل غر قزاق با دو توپ (پولی مطر) بدون اطلاع و اجازه وارد اتزلی شده اند در سورنی که از تاریخ (۱۶) محرم تاکنون ابداً تعدی به حقوق و حدود اتباع روس نشده است این حرکت در این موقع که بر خلاف حدود هر دولت متمذنه و غیر متمذنه است اسباب هیجان ملتیان شده و ممکن است تولید زحمت فوق العاده نماید

لذا متنی جنابم که هر جا زود تر ممکن است از این نوع اقدامات و حرکات غیر حق که نتیجه آن

جز تولید رحمت غیر منقبة ناگوار چیز دیگری بست
حلو گیری فرموده و ملت ایران را بی جهت از این
نوع افعال و اقدامات از خود برنجاید

(انجمن اهل حق کابل)

واقعات حضرت عبدالعظیم را از عنوان ذیل

بخوبی استنباط تواند نمود

(حکم اللذی فی البریة جاری)

(ما هذه الهدیا مدار فراری)

الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا اننا لله وانا الیه
رجعون اولئك هم صلوات من ربهم واولئك هم المفلحون
خلاصه اتفاق موحشه که قلوب هر مسلمان با حس
و اعزاء هر آدم با وحدانی را به لرزه و ارتعاش
می آورد این است پس از آنکه رجال دربار خیانت
مدار ایران از قیام استبداد و خیالات خود مابوس و
دیدار رشته انتظام مقاصد غیر مشروع آنها از هم باشند
و هم اقرب هیئت مسلمان پیش برده و نیات مبدسه
مضروعه خود را انجام خواهند داد و طایع از حیوان
و قتل و کشتاری رحمانه جانی خائبن شده و نخواهند
گذاشت که یک عده بی شرف بی ناموس به مخالفت تمام
کش آبهایی و فواید کل دنیا حقه بی جهل کرور موس
مسلمانان ایران را صایع ساخته و تمام هم خود
صرف هوا حس من و خیالات شیطان سازد از
همه مابوس به قشون دارند نه پول نه کک دارند به
بیشرفت و مالکت و نه ملت و نه نه نه نه

هنگام آنکه به پیر معظم خود شاه سلطان حسین
صفوی نموده و در فکر نگاهداری و حفظ شهر و
کنفایه این شهر و اهالیتر نمودند و در صدد انجام
مدمات این مصد بودند، اول کاریکه کردند معاضد الملك
ر رئیس کینه اشرار ساخته و انجام مناصد غیر مشروعه
خود را به توسط او و کینه اش متعارف و طاب شد
پس به تمام کینه اشرار مطابق نظامنامه که علم معجز
شم اعلی حضرت و تصویب حضرت اشرف امیر هم در
که صدر اعظم نوشته بود تشکیل دادند، اولین بیته است
خود را در تفرقه حوره مبدسه و هیئت منحصس
حضرت عبدالعظیم دانسته از برای حصول این مرام
عدم رؤساء ملت و پیشوایان دین مبین را که باعث
افزایشه شدن این لوی مقدس هستند لازم دسته

پس از مذاکرات زیاد و مباحثات پشمار در کینه
اشرار و باغ نشاء مفاخر الملك و صنیع حضرت و
بافر خان یساول و سید کمال کور و اعتماد پسر تقی
و عسکر گرش بریده ما ۷ نفر دیگر از فراویان تبریز
و اجزاء میر هادر دو طلب کشتن رؤساء ملت و
پیشوایان دین مبین و انجمن نیات اعلی حضرت شدند
و محض اشک در آغوش مورد سقط و غضب آبی
واقع بشود حکم مباح بودن خون هموم حجج اسلام
و رؤساء منحصین در زاویه مقدسه را از جنابان
حاجی شیخ فضل الله وری و حاجی میرزا ابوالاسام
امام جمعه گرفتند، تا اینکه روز سه شنبه صبح صفر از
مقام ستداد حکم صادر شد که باید امشب کار
خود را تمام کنید

لذا عصر روز سه شنبه صنیع حضرت و سید کمال
ا پسر تقی و ۷ نفر دیگر از میدان نوبخانه سوار
در شکه شده بدوات آباد که نزدیک بشاهزاده عبدالعظیم
است رفته مفاخر الملك و باقر خان یساول هم از منزل
تسار حرکت کرده به اشرار مذکور ملحق شده از
آنجا یک هیئت ملت را جدا حای و یار است رحل
الغیب این بیت اشرار را به منحصین رسانید غالب
آقایان حجج اسلام شرا مشرف شدند در حریم مطهر
و به سابرین هم تکلیف نمودند ولی بعضی آقایان
در منزل خود ماندند هیئت اشرار که عبارت از ۱۳
نفر بودند شب را تا ساعت سه در قهوه خانه دوات
آباد مشغول خوردن شراب و نوشیدن هرق و تبدیل
لباس و سابر لوازم کار بودند، سه ویم از شب
همراهی اعتماد التولیة مقولی شاهزاده عبدالعظیم از
سمت شرق خارج از راه مقارن شش نفرشان که
رؤساء باشد رفتند منزل اعتماد التولیة و ۷ نفرشان
از برای حفظ سابرین در نقاط مختلفه مشغول کتیک
کشیدن بودند ساعت شش از شب به هدایت و راهنمایی
اعتماد التولیة از راه بام و حکوجه علی الفلک رفتند
منزل حجة الاسلام آقای سید علی آقا محمد یزدی
خاقل از اینکه ایشان در آنجا تشریف ندارند از آنجا
بیرون آمده به منزل حجة الاسلام زاده مرحوم آقا
میرزا مصطفی آشتیانی ریخته به خیال اینکه آقایان آنجا
تمام جمعی لوی لورود جناب آقا میرزا مصطفی را

با دیر هابون و آقا میرزا غلامحسین پیش نماز و یک نفر پیشخدمت را تیر باران کرده به این هم اکتفا نکرده چندین زخم خنجر بر بدن آنها زده فرار اختیار می نمایند به هدایت امانه التوایه مجدد میروند به موات آباد و در شبکه های مخصوص را سوارند به باغ شاه میگردند و مورد بذل مرحمت و شفقت امامحضرت واقع میشوند و از هموم رجال دربار طبقات مدار محسین و تعجیب را استماع می نمایند صبح روز چهارشنبه غره صفر جنازه های شهدای راه آزادی را در محسین گذاشته مشغول عزاداری میشوند ، از شهر نیز دسته دسته بستگان ، قتلین و حریت پروران به تعزیت رفته خود را شریک غم و اندوه احرار میدارند و سیغم الفین ظلموا ای منقلب یتقابون

نقل روزنامه یومیة جبل اللئین

منطبعة رشت

روزگار هران سیری گشت

طای چند ، فرمان یا برلیغ استبداد ، ابر و میغ بیداد را محسین سالحق آفتاب عدل و داد برنگاشت ، و ملخصهای مهاجرت جور پیشکاف یا جراد منزله ستمگران ، ما را از استفاضة اشعه خورشید آزادی باز داشت ، دود نوبهای پارلمان کوب ، در بر تابش فروغش برده تیره فرو هشت ، و لمعان درخشش را جیره گشت ۱۱۱ -

این کسوف را مدتی مدتی نگذشت که وزیرگار است فیض از آن شمع حریت و درك فوز از چراغ فروران مشروطیت از نو بارگشت ، ولی آنچه بود گذشت ؟ بل ، آنان که محنت دوری محبوب فهمیده ، و اشتیاق طایق را بوسال معشوق دانسته یا دیده اند میدانند که ، شیفته گان حریت در فراق دلدادة آزاده خوبین ، چگونه میکداختند و می ساختند ، و دیده گان را چنان بر جریان حوادث و وقایع دامن وطن مهربان یا خاک ابرانشان دوخته و در آتش سوزان هران میسوخند ، حکمی ، در چند ماه قبل میفرماید (گوش عشق آری زبان خواهد ز عشق)

(فهم عشق آری بیان خواهد ز عشق)

چند طای پیش نگذشت ، ولی ، مقیاس طول

هر یک از ساعتش گذشته از اینکه قلم برشته تحریر آوردن نتواند ، زبان بز در بیانت و تقریرش واطد ، هر کس را قوه حس و استشمام و یاحین رنگارنگ آن گلستان بود ، و گوش ادراک نفیات آن هزارستان خوش الحان ، مخرج و بحر ای این آه های شرور را میداند ، و ملاحظه و مبنای این ناله های دلخراش را ملاحظه میتابد ، مسلم است ، کسی را که خاری در پایی نموده تصور پیش طار محال است ، و هر آنکو در دمی گرفتار نیامده پندار این مراتب خیر (درازی شب از دژگان من بر من)

(که یکدم خوب در چشمم نگذشته است)

در کشور بیگانه با حلقی برار شبی بروز میآوردیم روری شب میگردیم همواره در صدد استفسار اخبار که آیا دست غیبی چه وقت بر سینه با محرم بزند ، و فرشته رحمتی آردی نامداد لدام شیر مردی ابروی نژد ، از شد توخیم استبداد و رها ، گاهی ابدان کشته آزادی طلبان و اجساد محمور آغشته مشروحه خواهان در میدان بهارستان برار نظر مجسم میکشت گهی آوار میشوم بومی که در خیال نساختمار رگ و بار ریخته دوختن بهارستان قرار گرفته بود ندان بگوش در میداد ، گاهی برده از جلو چشمان برداشته شده ، دست درازی سواران رحیم خان ، (ما سروحس آیین قرآر) بصمت برده گیان بی گناه آذربایجان از دور مشاهده می رسید ، طای سخته و گریه شیر خواوان زخم رفته ، خواهران بر در کشته ، دختران بی پدر گشته ، مادران داغ جوان دیده و زبان شه هر مرده برده می گوش را از هم میدرید ۱۱۱

بن خیالات حکم خورش یکطرف ، تصور انهدام میان خاندان شش هزار ساله ایران ، با اضحلال استقلال آن یکطرف ، همین که خلق سر محبت فکر فرو برده و پیش بینی آتیه میگردم ما خود میکفم که : هان ! استقلال ، استقلال ، استقلال ۱۱۱ بقای استقلال ! چه گوهر گرانبهائی است که ، از دست معبود ۱۱۱ ایرانیت ، ملیت ، حکومت ملی ، سلطنت قومی ۱۱۱ : چه روابط عمکی است که با مقراض لجاج و بست طینتی از هم میکشد ۱۱۱

اقدامات حریت پرورانه و اهتمامات وطن پرستانه

گاه؛ جواهر فردی فخرمند، دلیر فیور شیردل سلیح شور،
فرزند خلف مادر وطن، حضرت ستار خان سردار
ملی که نهال وجودش پیوسته در بوستان ایران برومند
باد، پیرای سرسپردگان طریق اسلامیت و جان بکف
هادگان صراط ابرایت به تسلای خاطر آشفته کبوتران
مال شکسته می سپرداخت، ولی وقتی غبار اندوه از
صحنه دل زدود، و رشته‌های امید و رجایم پیوست
که در دهه دوم رمضان، پس از مغلوبیت و شکست
اردوی ابن‌المنصور، مستبدین و روحانیان دنیا پرست -
که شرح رفتار ما عنجبار بستگان ما مسطور است
آدرمایجان صفحات تاریخ بایستی برای تذکار آیندگان
درج باید، فرار بر فرار اختیار نموده و گریختند
پس از آن پیروزی گون که دلهای مرده بشکفتن
کلهای رجا گلشن گشت و هرصه ظلمت بتاش شمع
این امید روشن.

فرماتهای واجب الاذعان آیات الله فی الارضین صحیح
بنه مسامین نیز در عرض این مدت به دور و نزدیک
رسید، و ریشه این شجره با نفوذی هر چه نامیر
همچون قله حق باطراف و اکناف محاکت دوید،
اکنون قدری پیدایشیم، در صدد تجسس این نکته
باشیم: چه حرکتی باعث دست از جان شستن و سر
عرض خطر گذاشتن است؟

آدم جرنجی در اصطلاح مکایک (علم حرائق)
موزر این دستگاه فداکاری و جایازی گشت؟ ایجا
بایستی مطالب را توضیح کرده و بر حسب فرمایشات
حکما مقصود را کشف نموده و راه حل مسئله را
بیایم، کاتبه وقتی بنظر دقت در نگارشات و فرمایشات
حکما و فلاسفه منگرم دانسته و درمی یابیم که اثر مواد
و فصول آن مطالب مساوت طبیعت، در کله و جبهه
سایر حای گرفته است، مانها بعضی اوقات تصادفات
رمان، مانع اجرای اختیاری آن اصول میگردد،
فیلسوف معروف واتر فرانسوی میفرماید:

Quand on a tout perdu, on ne peut plus rien faire.
La vie est un opprobre et la mort un devoir.

مفهوم این دو فرد شعر را میتوان بدین جمله
رجه نمود: «زندگانی و حیات، پس کسسته شدن
روابط امید و منقطع گشتن رشته های رحا، دیوینت

است و سرگ فریضت ذمت، «اینک نیز پس از
دستخطهای متواتره صحیح اسلام (مقاله المسلمین
بطلول قائم) عرک روحان مجاهدین در تقدیه جان و
مال و عست و نیست برای بچنگ آوردن مقصود
همین نکته است

جواهر فردی صاحبشور و مجاهد فیور حضرت مصمص
السلطه را که مصمصش پیوسته در انتقام خون بیداد
گران نیز آمد - میتوان پنداشت که غیر از این نکته
عمرکی است ۱۱۹

فدائی وطن، مجاهد مجتاج ایران، جناب (متر
السلطان را) همین مقصد موبد است که ما آن حوش
و خروش رعد آسمان برای تخریب بنیان استبداد در
میدان جایازی حالت را بکف دست نهاد، و حق
بمرض خطر فرا دعه و ملی، تا امید ببقای استقلال
وطن و متیقن بشومی احوال استقبال ایران، جان را
ارزش نداده، مردانه با امید خدمت بوطن و وستکاری
حریت، قدم در هرصه کارزار نهاده، باب فتح و
قل کامیاب را با کاید همت می گناید

مجاهدین و مجدینی که، از وطن و مسکن روی
ناقه و بدین میدان نبرد شتافته اند نیز چنین بری
اجرای همین خیال بوده و هست، محقق است،
برخی ساده لوحان، بر ضد رفتار آزادی پرستان این
مجاهدین بعضی خیالات خام می نمایند، رای وضوح
نکات میباید: بیچاره، نون که اگر کودکی خورده سال
در جنگال گرگی گرفتار بینی، در صورتیکه سرور
آدمیت بگوش بی هوشیت میسازد (اگر کشتن گرگت
را امکان نیست اقلا در خلاص طفل بگوش بی اعتنائی
کرده و میگذری ۱۱۱ شیخ اجل در همین معنی است
که میفرماید:)

(نو کنز محنت دیگران بی غمی)

(بشاید سکه نلعت نهید آدمی)

حضرت اشرف (سپه دار) اعظم را، ناله های پر
مادر مان نلک بر حراحت درونیش پانید! ا ناملی
حزوی دانستند و دریافتند که امروز وقت مساوات
است! ضجه های امداد طلبانه ایران بسامه مبارکش
رسید که تکیه گاهی برای بیکر ضعیف و اندام نحیف
مام کهن سال خود و سایر هموطنانش را برقرار

فرمانند . البته وجودی همچون حضرت اشرفش مرکز دینی میشوند ایرانی که در دامن مقدسش پرورده شده و هر گرانبها را برای خدمتش صرف فرموده اند . امروز دامن خدمتش طوط طمع پیکانگان آورده گردد و مورد هم جشی حریشان میدان مملکت گیری و کشور ستانی شود

در ادای شکر و حق شناسی حضرتش . ایرانیان خصوصاً گیلانیان را واجب است ، نام نامش را به زودی یاد کنند ، دوام هر و امتداد سایه و طینتوایه وجود اشرفش را از بارگاه خداوندی در خواهند و عموماً شخص شخص بزرگوارش را محبوب النلوب دارند . چه گوی شرفی که در هر صده روزگار رود !!! ذکر حضرتش اوراق داستان و آرایه ، مجسمه زیننده اش بنای آزادی و میدان بهارستان را پیراید . چه بزرگواری و عزتی که چه افتخار و ابروی پس از بیستم سال اطفال داستان مدافع و ملت خوانند و مورخین مجاهد قای استقلال و حریت خاک پاک نامند .

اگر امروزه ما ملت بیچاره را پای ملتی نیست که نزد حضرت سلیمات آوریم و فردا ، پس از استحکام اساس حریتان چه یادگار ما بماند پیروزی بنام نامیت مفتخر و مباهی گردد . چه مدارس خیریه - جناحی مأمول خاطر اشرف بوده و هست ، ما شود و بیادگار اسم بزرگواریت باقیات و صالحات یادار باشد .

همین قدر اظهار می شود که اگر دران هواداری سپاسگذاری بخدمت آفتاب توانستند ، ما شیفته گان قای استقلال وطن و مشتاقان عودت حشمت و شکوه اولی خاک پاکان نیز ، باز باهای بسته و قلمهای شکسته میتوانیم اجرای ستایش و امتنان از اقدامات وطن خواهان آن بزرگ ملت پرست را دو عهده ایفا کرده و بانجام رسانیم

• • •

کنون که یکران چنین وجودی با توسن طیبان ما - جناحی همیشه - هم زبان گشته ، اصاف نیست فرصت را از دست دهیم . بزرگان می فرمایند : حق فهم و درک مستقیم برای اثبات حضانت ما کافی است بایستی دست اتحاد را بدون ملاحظه اختلاف عقیدت با کمال یکدلی و یکجبهی بیکدیگر در نجات وطن بدهیم

و بگوئیم . برای بدست آوردن این مقصود نقد چیزی که کمال اهمیت و لزوم دارد ها استقامت رأی با ثبات قدم است . قوت قلب ما در جمهوریت طرف کافی است . امروز دیگر موقع حرف محض و صحبت بی فایده گذشته ، باید با کمال دلگرمی دست بکار شویم خصوصاً وقت که محنت و الا نهت جلین یگانه ملت پرست و مملکتخواهی اسباب تقویت خاطر ما شده است . این فرصت غنیمت است که پس از دست رفتن پشیمانی و انگشت دندان گزیدن هیچ سودی ندارد و ندامت نوری نمیبخشد

واقعات اصفهان وقایع نگار ما

(۱ ع ۹)

ورود سهام السلطنه عرب را از طهران برای اصلاح ذات‌الین گویا عرض کرده ام مشارالیه قریب بیست روز است منزل آیت‌الله آقای نجفی وارد شده از طرف شاه برای اصلاح آمده بعضی وجود او را در اصفهان باعث بروز فساد دانسته اند ، و چند روز است برای الحراج او تدارکات دیده ولی چون در منزل آیت‌الله توقف دارد در گرفتن و هتک او قدری تأمل دارند حال دارد هرگاه بیرون آید گرفتار شود

چند روز قبل صدر عظم مشارالیه تلگرافی بود که چرا اقدامات خود را در ماده اصلاح احطار نکردی و محض تعهدات تو قشون را در قم توفیق داشته‌ایم البته توفیق را اطلاع بده ، چند روز بعد تلگرافی دیگر رسید که دستجات قشون موهومی از کاشان و قم و حضرت عبدالعظیم رو باصفهان حرکت کردند

حالی آنچه مشهور است حرکت عده قشونی است از حضرت عبدالعظیم . امیرمفتح نیز مجدد از قم بطهران احضار و مشتمل بر مرسعی از طرف دربار مخاع شده است مقبول شدن چند نفر از ملتیان در حضرت عبدالعظیم حرکت امیر بهادر هم محبت دارد . الحمد لله خبر تاسیس انجمن ابلاتی شیواز نیز رسیده . صفحه جنوب یک روزه بتصرف مات است خیالات صولة الدولة معلوم نیست همین دوره هفته منتظرم جریده مبارکه جلالین قاشی و بر ملا توسط وکلاء مقرر در ایران برسد

وضع داخلی اصفهان تا اندازه خوب است ، همه روزها گفتگوی جمع اطراف در پیش است ، حضرت

به لاسلام سار مصالحی صلاح تدبیر اند ، بار فرار
 شده از طالبات حواله دهند. کاربول قدری - تحت است
 - حصرات عاهدین هم حق دارند بی پول می توانند
 بایستند و مدت خدمت کنند ، الحقیق بشتر از این
 - عاهدین قبور می توان توقع داشت. حق القدر در
 ره خدمت نماند ساری و عاهد اند ، اهالی باید خیلی
 - آنها همراهی باید و در ایجا قدری کار مشکل شده است
 الحس ولایت هم دایر است ولی به بطور قانون
 عاب این رورهها حصرات خوانین الحس تکلیف
 زده اند ، که جر و کلا را بطور قانون و نظامنامه
 غب می کنند ، بعضی از اعضاء الحس طالبه و حصرت
 دس دست رده نزیاب الحس را صلاح می داند
 - مر باید همانطور که اطه اسباب رعخت مردم و رور
 - قی است همین قسم هم اعاب قانون باعث سعی مفاسد
 ست ، و مجالاً ما بین محاسبان و عاهدین این مذاکره
 - مباحثه هست ، محاس هم از حصرات خوانین حساب
 سه ماهه را خواسته است ، که دوری دویت و بجای
 - مان که رای مصرف اردو گرفته اند ، نت دهند
 رور اعانت معدد هم در اسمهان طبع و منتشر
 می شود. عاهدالاسلام هم همین رورهها کشکول را اشاعت
 - معده بود ، محاس نطق همومی هم چند روری است
 - سعی محامی حساب منصف است ، معاهد ملی
 - باوج است آنچه عهد امدهواری است ، ورود
 حصرت مردم را بعد حاسی علیقل جان - به محره که ما
 - در از فیه شیخ خزعل جان دردها صد ملی منحصرد شده
 - کرافات مشهقه مشعر و معقد سدر با عراب و
 - حرمت حرکت هررور میرسد ، امرور تلگری رشیح
 - شده که کرک محره در مصرف عوده - - - مسلم است
 - مدت دولت که محله منحصره که گراک جنون است
 - محله - ملت در آید کار دولت بکسره خوددنده

تلگرافی است که حضرت مصمص السلطنه

(توسط سفرای دول بشاه عوده)
 محاکبای مبارک اهل بحصرت قدر قدرت همیون
 شاهنشاهی ارواحنا عداوه ، هرایی صادقانه این پیر غلام
 شاه زاد بمحاکبای مهر لمان اقدس شاهنشاهی با کمال
 هیز و انگار است ، که اکنون قریب نصدت سال

است از صمیم قلب و صدق نیت آن سلسله حایله
 شاهنشاهی خدمت عوده ونعمت پرورده ام و هماره از
 حضرت حق دوام این دولت رور فزونی را مسلمات
 دانسته و دارم اکنون هم همض پس حقوق در بریه
 و ادای ذمت هدویت که هماره فرض عین دانسته و
 مدام از آستان قدس درخواست و مسلمات درم که
 زیاد تر بکمت رعیت بچاره که بیوسته - اسله شاه
 برستی را بر گردن جان سته اند و همواره سرطاعت
 و اقیاد ر آن نفس دارند و از آستان مهر لمان
 درخواست و مسلمات اردیاد عطوفت ، ملوکه دارند ر
 یک توجه محسوس ملوکه در بیغ هر بایند ، و آنها را
 از آستان ملایکه باسبان همیون مایوس و محروم می دهند
 که حقیقت هر و مسکنت اهالی مملکت را مستولی شده
 و برایشان رعایای بچاره ر اندازده فزونی گردیده است
 دیگر طاقت تحمل بی مهری ر آستان ملایکه باسبان
 همیون خلدانه ملکه بانده است ، اسدطای حاجزانه بی
 پیر غلام شاه راه مد از نصدت سال حالت شاری
 آست که دستخط هم معط از طریق مهر عطوفت
 شرف صدور یاد و فرمان مهر لمان آرادی صت
 صادر شود که رأدها علی طاسق اسباب شه برستی و جان
 فشان تمام اهالی گردد و موجب دعا گوئی و دوام دولت
 رور افزونی شود ، خلدای ، احد آگاهست که تمام اهالی
 ایران رعیت شه برست حالت شارد ، و غیر صدور
 فرمان مهر لمان همیون بر شر قانون مشروطیت که
 حایله دوام دولت رور افزونی و نرق مملکت است
 فرض و مطوری مداره

(سلام حال شاد محصلی مختیاری)

واقعه وافه فاجه مرافه

واقعه هائکه مرافه در شانزدهم ذمعه الحرام
 سنه ۱۳۲۹ عاهدین تبریز قبل ورود صمد خان
 مرافه برور رفتند. در رور بعد صمد خان وارد
 مقداری از سوارهای خودنن که ناره اول الحی و
 شده و عده از سوارهای چار دوالی که جیده و
 اول الحی سلیم خان چار دوالی است سه رور حلوس
 کرده. اهل مرافه دیدن او رفتند، روز چهارم نرسند
 جناب مستطاب آقا شیخ محمد حسن مجاهد را احصار
 کرده. وقتی که حضور رفت اول حکم کرد آن بچاره

را حلت کردند ، و حوض میخ کرده را شکستند و آن
چند پیر را هرمان محسوس انداخته ز هر طرف
خواست از هول جان و شدت سرمای مرافقه و سن
شیخوخت بیرون بیاید با چوب و جهاق زدند تا از
حال افتاد و بعد بیرون آورده بزندان بردند . یک
عبارت ولایاتی خواست پیوسته ندادند از شدت سرما تا سه
ساعت در حبس زنده بود ، بعد برحت ایزدی پیوست
عید الله زیاد محمد خان محمد بیچاره را ربهان پایش
سه فاصله چهار و چهار هزار ذرع در کوجه ها روی
سنگها و میخها کشیدند ، تمام پوست بدن محترم آن عالم
بگناه کتفه شد ، بعد از آن معاندان ارباب شرعش مدار
آویختند ، ساروز در دار برود ، بعد بائین آورده مسلمانان
دیگر او را دفن کردند ، و دو دختران شهید از دیدن
این حال مصه کرده وقت یافتند و یک طفل کوچک هم
از یکی از آن دخترها نیز مایه بود ، آهم نایب شد
چهار نفر دست نمدی و ظلم محمد خان رمدیق
بدرجه شهادت رسیدند ، و عبدالحسین خان نام را
هم بیچوب بسته آنقدر زدند تا جان داده او را ربهان
بسته کشیدند ، در کوجه و نازار گردانیدند ، و بعد
مصلوب ساختند ، رادری دارد محمد خان معروف
به مجتهد ، و قاضی ، که خود او بواسطه حب ریاست و
استبداد محرك محمدخان بوده براین افعال شنیعه محض
رفع نیت پیش مردم محمدخان گفت خوب نکردی
بی احترامی محمد خوب نشد ، جواب داد دستور العملی
که از طهران از طرف شاه برای من آمد من ده یک
آن را اطاعت نکرده ام .

پس از آنکه اعیان و اشراف مجید مرافقه فرارا
نخج اشرف آمده واقعات را که برای العین دیده بودند
رای آیات الله و حجج الاسلام نقل کردند ، اتفاق ملا حکم
شرعی قلمی داده شد که محمدخان کار مایه مهور
الهم و خون او مدو است ، همه افراد مسلمانان دفع
این زندیق کار لایم است ، ملاقات با او حرام و خورد
او نجس و اطاعت او اطاعت عید الله زیاد است ، تکلیف
مسلمین قتل این زندیق است لعنت الله علیه و رحمة
من قله .
ی مسلمانان ایران و ای مجاهدان نظر کنید حالت

هیولای استبداد و همال او چسان خون مسلمانان ر
اراقه میکنند و چگونه تنگ ناموس سادت و علم و
مجتهدین و مسلمانان را حایز می شمارند و از آن طرف
همه شا بر این زیاد و بزید و هر سعد و شمر و خلوی
لنت میکنند ، و حال آنکه تمام این مامورین هر یک پدر
از شمر و بزید و ابن زیاد و هر سعد و از آنها
در پیش روی شاه راه میروند و آنها را مهلت میدهند
قطعا این مامورین عرانب از آنها بدتر اند فقط ایست
که طرف اینها امام بیست و این مظلومین مصوم هستند ،
ناری همین پادشاه است که عالم نمایان شما او ر
پدر مهران خوانده و او را در درجه ابوب قرین
بنمبر و امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیها دانسته
چه در روایت است

اما و علی اواء هذه الامة جناب آقا سید کاظم
بزدی در محضر هشتاد نفر ارباب و مجتهدین و ارباب و
بی عرضان گفت شاه پدر مهران است ، همال است پدر
ماولادش غضب کننده و آنها را نکند ، منی حرف او
ایست که پدر امت مرحومه سه نفر بد ، محمد علی میرزا
در درجه ابوت ما خاتم الانبیاء و سید اولیاء شریک است ،
همینا که این جماعت هنوز در درجه بت پرستی که حقیقت
شاه پرستی باشد نماند قدم اند ، بلکه معصوم آن ، و
مشروطیت را طریق ضلالت میداند و حال آنکه شاه
پرستی سید و وری و تبریزی و آملی و نظرای آمان
همین بت پرستی است و بن ظلم صورتان چنین
کمان کرده اند که در شرح اسلام تحت سلطنت حاکم
امضا شده و میبهند که خلافت اسلامی غیر از سلطنت
است ، ریاست اسلامی همان بود که خاندان راشدین زدند
او رطال معاویه بن سفیان اساط خلافت و بیات و
حاشینی بیوت در نور دیده شده بساط قیصر و شهری و
سلاطین عجم و بت پرستان را پیش گرفته خلافت را بدل
سلطنت لار همال و در اساط نبوت پیچیده شد و رسوم
بیوت مابین وثبات و بت پرستی بدل گشت ، این بدعت
امره الی الی الی بیانه مسامین رایج و معمول به است
شرح این مطالب را در آئیه خواهم داد ، ولی چه
فائده ظلم نمایان ما رسوم بت پرستی را از رسوم اسلامی
تجزیه کرده بدعت اولیة شرح شریف را دانسته ضرورتات
دین و مذهب را اسکار نموده شبیهی ر همدرجه با سید

شر صکرده و در ملاء بجهت بت بزوک افتخار و
جی از حفاء نیز این بت پرستان را مقل بت ستایش
میکند محض جری آخور و عطشان اف بر این عقلا
نست بر این فوس اماره و هوا پرستی که طبیعت نایه
علم بیان شده سفاک نوع انسان و تصاب فرقه شبه را
مؤید اسلام میدانند و بیوم کالاسام امر را مشبه
میباشد بهیات بهیات ضغ الطالب والمطلوب
(راقم - س - ح)

تلگراف از مشهد بطهران

غرة ربيع الاول ۱۳۲۷

سفارت عثمانی - آلمان - انگلیس - روس -
فرانس - اطریش - هولاند - ایتالی - آمریکا -
خدمت جناب جلالتاب اجل طالی زحمت افزا میشود -
الغنه خواطر مبارک از دست خط مظفر الدین شاه
مرحوم مورخه ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ در تاسیس
(کفنی نویسن) و امضاء محمد علی شاه بتضمیل
متحضر است ، اوضاع طالبیه ایران را هم بعد از اتصال
و نوپ سخن بمجلس مطلع میباشد معلوم است ، که توپ
سخن بمجلس باعث اتصال مشروطیت ایران خواهد
بود و ملت ایران همانطور که بمشروطیت معرفی شده
خود را جزء دول مشروطه و دارای قانون اساسی
دانسته و میدانند ، اهالی مملکت خراسان مطابق قانون
اساسی انجمن ایالتی را منعقد و مراسم مشروطیت قیام
نموده اند ، لازم شد مراتب ذیل به نمایندگان دول
متحابه بروست و اعلان شود که مطابق اصل (۲۴)
(۲۵) (۲۶) قانون اساسی امتیازات و استقن
عمود و استقرائش و غیرها باید بتصویب دارالشورای
کبرای ملی باشد و در انجوقع که پارلمان ایران متصل
است هرگاه امتیاز اداره از ادارات دولتی را به یکی
از دول بدون تصویب انجمنهای ایالتی که امروزه قائم
مقام پارلمان است بدهند فردی از افراد ملت ایران
نخواهد بدیرفت ، و اهالی بمحکم رؤساء مذعب جداً حمایت
خواهند نمود ، از قرار مسجوع در این اوقات محمد علی
شاه اراده دارد اداره تذکره را مدوات بهبه روس به
عنوان رهن وا گذار باید لطفاً هموم ملت خراسان به
آن دولت بهبه رسماً پروتست نموده و لازم دانست که

ببار نایندگان دول محترم هم اطلاع بدیم تا بدانند
احدی از ظاهرا زبربار اینگونه معاملات نخواهد رفت
(انجمن ایالتی خراسان)

تلگراف از نوبت حیدریه بمشهد ۲۷ صفر
توسط انجمن محترم ایالتی خراسان شیدا که ارگاه
و مجاهدین غیور ملت سرهمه ، بموم صاحب منصبان
و سربازان فوج قرانی اعلام میشود از آنجا که همراهی
و اهتمام در استقرار مشروطیت بر قاطبه مسلمین فرض
و لازم است البت همسوماً باید در انجمن محترم ایالتی
شیده که ارگاه اظهار خلوص بت و حسن عقیدت نموده
مانند سایر مجاهدین غیور مساعدت باین اساس مقدس
را جهاد و مخالفت را محاربه با امام زمان عجل الله فرجه
بدانید و با جان و دل بکوشید بتوسط انجمن محترم
ایالتی مساعدت خود را تلگرافاً اطلاع بدیم اگر از
عهده بر نمی آید بابت دست از دامن دولتیان که
مقابله آنها مذاکره بزید بن معاویه است کفیده و بزودی
وارد خانقاه خود شوید و الا تمام اموالتان آراج
و خلهای شما را بران خواهیم نموده فدائیان ملت
(سالار) (لفضل) (اسداقه)

ار خامة جناب پروفیسر

ادوردی برون ترجمه از دیلی نیوز

در عجا طرفداران مشروطیت ایران هر گاه ذکر
از مشروطه می نمایند یا طرفداری آنها سخن می رانند
معلوم می شود و حال آنکه اخبار (روس) که زبان
وزارت روس است ۱۷ تاریخ در مسلك شاه بحث
کرده مینویسد (شاه حیجوتت به قولی صکه داده و
اقراری که کرده و وعده که نموده می بند و ثابت
ننده) این است مسلك حقیقی شاه که اختیار نموده
است ، باز میگوید اگر چه پشرفت پارلمان در ایران
کامل نبود ولی انصافاً در يك سال و نیم کار هاسیه
آن نام در اصلاح مملکت ورقه حال رعیت بوده است
دیگری از اخبارات آزاد روسی چنین مینویسد -
این خانه جنگی ایران دوام خواهد نمود - تاکنون
فلبه از مخالفین ملت نظر رسیده و یقین است که کار
بزودی بمرام مخالفین استبداد برگردد اگر ضرورت دیده
شود که کار بزودی انجام پذیرد راهی بهتر ازین نخواهد

بود که ما افسران خودمان را از طهران طلب نموده بگذاریم ایران کار خود را درست نماید)

بعضی دیگر نوشته اند - که مداخلت در محل ایران شروع شده و موجب ضرورت وقت آتیه قوه را زیاد خواهد نمود - این که گفته شده که مداخلت شروع شده ظاهراً - بلکه باطناً و بطریق دیگر برخی اخبارات نیز صلاح بدوات روس داده که آذربایجان را متصرف شده قواست خود را بسمت اوضروم و کردستان زیاد نماید ولی اخبار (ناشناخته) را این حال معترض شده چنین اظهار میدارد که چون دولت روس در این گونه مداخلتهای بیجا از عنای حلوگیری نموده بود اگر چنین اقدامی شود يك آتش عداوت بین دولت های روس فروخته شده که نتیجه آن همان خواهد شد که در بندر آرپهر دیده ایم

واقماً بعضی اخبارات روس تصدیق حالات کنونی ایران را درست بیان مینمایند ولی بعضی اخبارات انگلیسی ما که خوشامد و چاپلوسی را پیشه گرفته اند برده بوشی بر کشف حقایق مینمایند (ادورد - جی برون)

دلیل نبوز بر مکتوب مذکور چنین مینویسد خطی که ما از پروفیسر برون درج نموده ایم باید بدقت ملاحظه نموده طریقه سکه روس در مداخلات ایران اختیار نموده و حدان منصفین ظلم و اگزار کلام که درست ننویسد بر آن دقت نمایند - نکته دقیق که در مراجه بیان شده ظاهر میدارد که اگر روس در آذربایجان قدم گذارد عنای هم بهمان طریقه اقدام خواهد نمود - چه حق دولت های در سرحد طابق الملل با دولت روس مقدم است - ولو دوستی ما هم با عنای ترک شود سبب عهدنامه دولتیین ما هم بدولت شبه عنای روس را ما خواهد داشت از مداخلت بیجا در آذربایجان

اخبارات راجه بایران

ترق مینویسد - هید نوروز در در حکومت رشت جشن گرفته اطفال مدارس بحضور حضرت سپهبد آمده بسیار اظهار ملاطفت با آنها نموده عیدی بهمه مرحمت نمود ، بعد از قبول نمودن عیدی اطفال آن وحوه را به حضرت سپهبد باز داده که از طرف ما در راه وطن صرف نمایند

قزاقهای روس که در کوچه و بازار شهر رشت گردش مینمایند ، اهالی را بنصب آورده و نیز خبر رسیده که در ازلی هم قزاقهای روسی دیده می شود در ایصوص از طرف انجمن ایالتی و سپهبدار به نام دول خارجه پروتست رسمی شده است

ایلات (مشکین) که تازه مشروطه خواه شده در راه طهران سنگرهای محکم بسته و بنا مینمایند ، این طایفه خیلی شجاع و رشید اند از جانب سپهبدار اعظم و انجمن ایالتی تلگراف با آنها شده و در جواب اظهار وفاداری و استقلال خویش را ظاهر ساخته که ناآخرین قطره خون خود در راه مشروطیت ایستاده ایم

در تبریز ۳۰ مارچ جنگ وقع از جانب احرار (۱۲) تلف و (۳۰) مجروح و از دولتیان (۱۶) تلف شده است

از طهران خبر رسیده که در کرمانشاه دولتیان يك نفر سید بزگووار را قتل رسانیده و دو نفر را مجروح ساخته و (۱۷۰) خانه را غارت کرده اند در این حیاول يك خانه از رعایای انگلیس و ۱۲ خانه از رعایای عنای هم غارت شده است قرب ۵۰۰ نفر در این یفا فقیر و نادار شده اند

واقعات خوبین شاه عبدالعظیم تمام قلوب اهالی را دچار بریشای شده است از زمانیکه شای این قبه محترم شده بود الهی کنون چنین حادثه در آن پیش نیامده بود میگویند قاتلان یکی برادر منعم السلطنه و چهار نفر از خانه شیخ فضل الله بوده اند ، سفرای دولتیین انگلیس و روس درین حرکت وحشیانه بشدت پروتست و باز خواست نموده اند ، اهالی از بیم جان خود بقوسلات پناه می برند

اتفاق مینویسد - که موجب خبر تبریز ستارخان نذارات کافی برای رفیق طهران دیده و لوازمات را آماده می نماید ، ولی چون از حرکات فشنون دولت که بر عرش و ناموس ملی ترحم نمی کنند فعلاً صلاح در رفیق طهران دیده و حرکات را ملتوی نموده است از طهران خبر رسیده که شاه بنوسط اک آذر ، مقداری پول قرض گرفته ولی تحقیق این امر و انکشاف بن مطالب درست نشده است

از مجاهدین رشت و فردین ۳۰۰۰ نفر در مشق